















100-443887-100

*(The page contains faint, illegible markings or bleed-through from the reverse side.)*

55

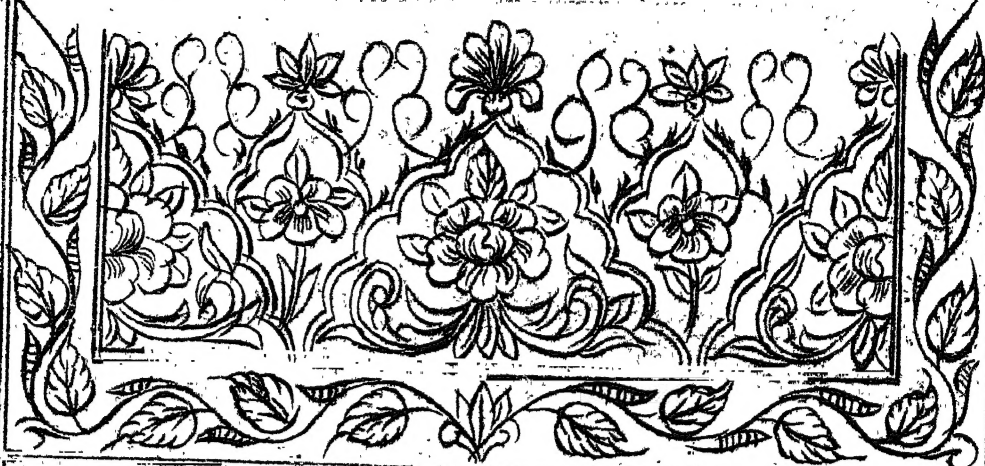
بسیار از انقضای تقسیم ترکین و ...



← *Handwritten signature*

الفصل





بسم الله الرحمن الرحيم

محمد بنی حدو عند حضرت واحد صمد که انهار مسائل فقیهیه ابرامی تشنه کما مان زلال حسن عا سیر سیرانی  
جا وید کرده و صلوة تعقیبات هر یک جناب سالت ماب که اصول بن متین انشاء نشود و نامی فروع سعاد  
بحد فیه وجود بر آورده اما بعد بر ناسکان مناسک بن بسین و ناهجان مناج ملت و آئین وضع با و که از انجا که  
تبر و یج کتب بر مذہب شرب اشاعت صحائف جمع ملل و محل بال و ام مطمح نظر منبر پرور مالک بن مطیع گرامی  
درین ایام نسخہ مالایه منہ بجلید تصحیح و حله از طباع ترین یافته و از نسخہ منقول شتہ کہ مطمح مکارم انیز  
منان محمد عبدالرحمن خان متمم مطبع نظامی در تمام تصحیح آن بعرق نشانی پرداخته و در مضامین خطبه  
توسن قلم را گام سنخ این عبارت ساخته ہو و از نسخہ دستخطی خاص جناب قاضی صاحب علیہ الرحمۃ  
از نزد مولوی حافظ محفوظ الدہ صاحب کہ از اولاد امجاد حضرت قاضی صاحب اند  
طلب شتہ از ان نقل برگرفت و برای درستی جواشی آن بخدمت جناب حقائق و معارف آگاه مولوی  
حافظ محمد المتد پانی پی و مولوی حافظ محمد عبدالغفار صاحب و بر نظر ثانی بخدمت مجمع  
علوم و فنون گرامی جناب مولوی حافظ سید عبداللہ صاحب بلگرامی و جناب افاضت باب  
سر آمد فضلالی متبحرین مقبول بارگاہ صمد مولانا مفتی محمد عنایت احمد صاحب تکلیف  
از بسکہ در عبارت نسخہ خاص و دیگر نسخ مطبوعہ تفاوت بسیار در میان آمد و نیز ثبت بعضی جواشی



بلا ضرورت و ترک بعضی با وجود ضرورت در نسخه منطبقه شده افتاد و ناگزیر تبدیل و تغییر و تکمیل و تکثیر و  
اشبات و محدود حاشی مطبوعه سابقه راه یافت و تجمه کلمات کفر و وصیت نامه جناب قاضی صاحب  
که به فوائد عمده مشتمل است در آخر ضمیمه کرده شد فاجده سبب آنکه این رساله شریفه و نسخه لطیفه محلی  
بصحت کامله و حاشی شامله جلوه فرمای انطباع گشت قطعه

درین سال نظر کن چشم منی بین	سفینه است که از مسائل است	سفینه است غلط میگویم که دریا است	که در عقل است اصداد که در حدیث است
برای تبیین مرشد است از سنا	برای تبیین هر چه خوش است	چنانچه بصیرت تیار است	که هر چه شایسته تجسّم است
معانی سبب لباب فقه و کلام	عبارت هر چه صافی است	ز بسکه نذر لفظ و حلاوت است	زبان هر چه شیرین است
نسخه است در حدیث	کشف از نظر هر چه باطن است		

و جناب مستطاب حضرت مولانا قاضی محمد زین العابدین صاحب از اولاد حضرت شیخ جمال الدین کبیر الاولیا  
بانی پی قدس سره اندر زنده علمای پر پیله گار و عمده اقیامی روزگار بودند و عمر هفت سالگی حفظ قرآن شریف  
نموده تا زبان شائزده سالگی از تحصیل علوم فراخ یافتند و در ایام تحصیل سی صد و پنجاه کتاب سواد کتب تحصیل  
بطل الله خود را آوردند نخستین معیت بخدمت حضرت شاه محمد عابد صاحب سنای قدس سره نمودند  
بعد وفات حضرت مدوح بخدمت جناب مرزا مظفر جانجنان شید قدس سره آمدند و بعد از آنکه کسب کلمات کردند  
در زبان حضرت ایشان بلباب علم الهدی سر فرار گشتند و حضرت جناب شاه عبد العزیز قدس سره بلباب  
بهیمنی وقت یاد میفرمودند در افاضه فیض طاهر باطن اشاعت علوم و فضل خضوت و اقامت سوال و حل  
مسئلات مصروف میبودند و در علم تفسیر فقه و کلام و تصوف و بطریقیه چندین کتب سأل فرین علوم تصنیف نمودند  
و مکاتیب بیار و جواب سوله شکله تحریر نموده اند تفسیر منظمی کتابت بس ضخیم در هفت مجلد کلان و بسبب اسلوب  
و ارشاد لطیفین ساله بالا بدیده و تذکره الموتی و القبور و تذکره المعاد و حقوق الاسلام که تحقیقه الاسلام شهرت یافته  
در ساله در حرمت و اباحت سر و در ساله در حرمت متعه در ساله شهاب ثقب و دیگر کتب سائل که از سی عدد متجاوز خواهد بود  
از تصانیف حضرت ایشانست وفات حضرت قاضی صاحب غره ماه ربیعالکیر از دو و صد و بیست و پنج هجری سپاس  
جناب مولوی محب الله صاحب صوف و تاریخ حلت شریف فهم مله یون فی جنّت النعیم یافته اند

مقدّمه سال اول

# فهرست مالا بدست

۲	مقدمه در بیان حال کتاب و مصنف حمد الله	۶۸	بیان نماز کسوف	۶۹	بیان طلب باران
۲	کتاب الایمان	۷۰	سائل نماز نقل	۷۳	فصل در سجده تلاوت
۱۱	فصل در استتمام نماز	۷۵	کتاب الحجاب		
۱۳	کتاب الطهارة	۸۰	فصل در شبیه	۸۱	فصل در ماتم
ایضاً	فصل در وضو	۸۳	فصل در زیارت قبور		
۱۷	فصل در غسل	۸۴	کتاب الزکوة		
۱۹	فصل در نجاسات	۹۱	سائل مصرف زکوة	ایضاً	فصل در صدقه فطر
۲۲	سائل آب و تطهیر	۹۳	فصل در صدقه نقل		
۲۴	کتاب الصلوة	۹۴	کتاب الصوم		
ایضاً	فصل در فرضیت نماز	۹۸	فصل در وجوب قضاء	۱۰۳	سائل در سفر و غیره
۳۰	فصل در اذان و اقامت	۱۰۴	فصل در روزه	۱۰۷	فصل در عتکات
۳۲	فصل در ارکان نماز	۱۰۸	کتاب الحج		
۳۶	سائل در سجده و رکعت	۱۰۹	کتاب التقوی		
۴۳	فصل در حدیث در نماز	ایضاً	فصل در خوردن و آشامیدن	۱۱۳	فصل در لباس
۴۷	فصل در قضای نماز	۱۱۵	فصل در طه و دود	۱۱۸	فصل در کسب تجارت
۵۳	فصل در نماز و غرض	۱۲۸	فصل در تفققات آداب باشرت و حقوق الناس و گناهان		
۵۶	فصل در نماز جمعه	۱۳۹	کتاب الاحسان		
۶۲	فصل در نماز در سفر	۱۴۱	ترجمه باب کلمات کفر	۱۵۵	وصیت نامه
۶۶	بیان نماز قنوت نماز	۱۴۲	ضمیمه		

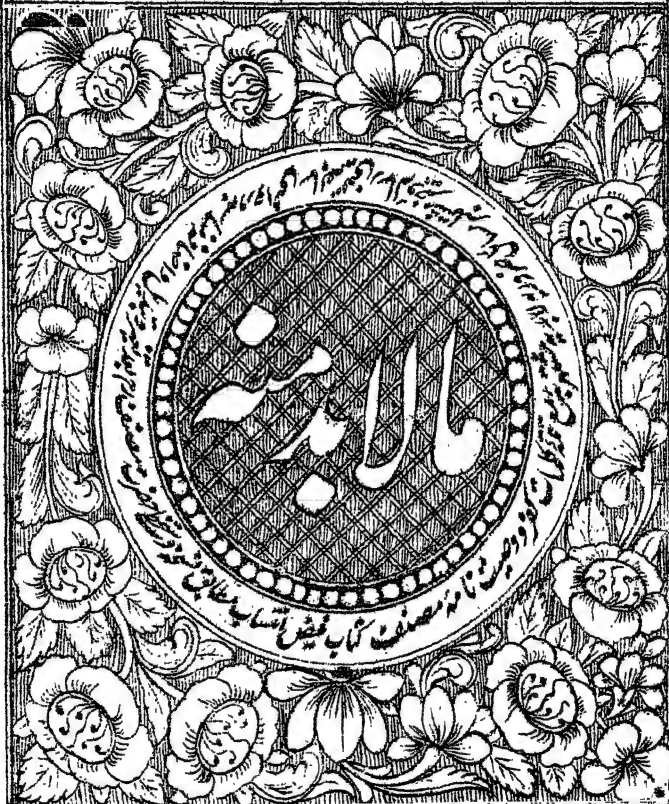
فهرست ابواب و فصول مالا بدست





صنایع عجیب و غریب و صنایع خلاق و استعجاب

واجب الوجود و یگانه فرض کننده و سازنده و تصنیف عالم ربانی حضرت قاضی محمد ثناء الله قدس سره



مستوفی از نسخه مطبوعه نظامی تصحیح و اوفای تمام کتابخانه و دارالکتاب و دارالعلوم و غیره از کتابخانه

مطبعه میثقی نو استواریه مطبوعه ابن ابراهیم



صفات و افعال و تعالی هم در کف ات او سبحانه بی چون و بیچون  
 است مثلاً صفة العلم را در اینجا صفتی است قدیم انکشافی است بسیط  
 که معلومات اولی ابد با احوال متناسب متضاده کلیه و جزئی با اوقات  
 مخصوصه هر کدام در آن واحد است که زید در فلان وقت نهد  
 در فلان وقت مرده و بگذارد همچنین کلام او یک کلام بسیط است که تمام  
 منزه تفصیل است خلق و تکوین صفتی است مختص بی شکی ممکن چنانچه  
 که ممکن است پیدا می تواند کرد کمالات تمام آنچه جوهر و چه عرض و چه فعل  
 اختیاریه بندگان همه مخلوق او تعالی اندساب و ساطع را در پوشش  
 فعل خود ساخته است بلکه دلیل بر ثبوت فعل خود کرده چنانچه عقلا از حرکت  
 جمادات بحرکت پی می برند و میدانند که این حرکت فراخور حال نیجاست  
 این را فاعلی است و رای او همچنین آن عقلا که بصیرت شان بکل صفت  
 مکمل شده میدانند که ممکن پیدا کردن ممکن دیگر گوشتی باشد از  
 افعال یا عرضی باشد از اعراض نمی تواند کرد آری این قدر مرقع افعال

بجای این را بگویند که  
 انرا صفت است که در  
 بیرون از احوال است  
 و بیجا چه  
 مال است  
 و بیجا چه  
 مال است  
 و بیجا چه  
 مال است

صفات و افعال و تعالی هم در کف ات او سبحانه بی چون و بیچون  
 است مثلاً صفة العلم را در اینجا صفتی است قدیم انکشافی است بسیط  
 که معلومات اولی ابد با احوال متناسب متضاده کلیه و جزئی با اوقات  
 مخصوصه هر کدام در آن واحد است که زید در فلان وقت نهد  
 در فلان وقت مرده و بگذارد همچنین کلام او یک کلام بسیط است که تمام  
 منزه تفصیل است خلق و تکوین صفتی است مختص بی شکی ممکن چنانچه  
 که ممکن است پیدا می تواند کرد کمالات تمام آنچه جوهر و چه عرض و چه فعل  
 اختیاریه بندگان همه مخلوق او تعالی اندساب و ساطع را در پوشش  
 فعل خود ساخته است بلکه دلیل بر ثبوت فعل خود کرده چنانچه عقلا از حرکت  
 جمادات بحرکت پی می برند و میدانند که این حرکت فراخور حال نیجاست  
 این را فاعلی است و رای او همچنین آن عقلا که بصیرت شان بکل صفت  
 مکمل شده میدانند که ممکن پیدا کردن ممکن دیگر گوشتی باشد از  
 افعال یا عرضی باشد از اعراض نمی تواند کرد آری این قدر مرقع افعال

بجای این را بگویند که  
 انرا صفت است که در  
 بیرون از احوال است  
 و بیجا چه  
 مال است  
 و بیجا چه  
 مال است  
 و بیجا چه  
 مال است









۱۲  
 بنشینم علیک ایها شاه  
 کما قال معاویة بن ابی سفيان  
 ما من مريد ان يخلص  
 العزف فاعلم ان يخلص  
 امر قاسم بن ابي بصير  
 احيى ۱۲ ص ۲۸۸ قال  
 سألوا عن اهل الكوفة  
 ما له دور وادبهم من غير  
 فهم وادبهم من غير  
 ر قوت میان زندگانی  
 بزم ایشان بجز نیست  
 بیشتر نیست بلکه غرض  
 اند و روزی است بعضی غرض















فصل در وضو بداند فرض در وضو چهار چیز است شستن و از موی  
تأزیر و قرن تا هر دو گوش و هر دو دست با هر دو آنج و مسح چهار حصه  
سر و تن هر دو پای با هر دو تنگ انگ اگر ریش گنجان با رسیا  
آب زیر موی ریش ضرورت اگر ازین چهار عضو مقدار ناخن  
هم خشک ناند وضو درست نباشد و نزد امام شافعی و احمد و مالک  
نیت و ترتیب هم فرض است و نزد مالک پی بی شستن هم فرض

مگر نماز را بنا برین احادیث احمد بن حنبل تارک یک نماز را عمداً  
کافر میدانند و شافعی بروی حکم بقتل میکنند نه کفر و نزد امام غلام  
اوراجس دینی واجب است تا که توبه کند و الله اعلم پس باید دانست  
که نماز را شتر اقط و ارکان است چنانچه ذکر کرده شود انشاء الله تعالی  
و از شرائط نماز طهارت بدست از نجاست حقیقی و نجاست مجازی  
طهارت پارچه و طهارت مکان پس اول مسائل طهارت باید دانست

کتاب الطهارة  
فصل در وضو بداند فرض در وضو چهار چیز است شستن و از موی  
تأزیر و قرن تا هر دو گوش و هر دو دست با هر دو آنج و مسح چهار حصه  
سر و تن هر دو پای با هر دو تنگ انگ اگر ریش گنجان با رسیا  
آب زیر موی ریش ضرورت اگر ازین چهار عضو مقدار ناخن  
هم خشک ناند وضو درست نباشد و نزد امام شافعی و احمد و مالک  
نیت و ترتیب هم فرض است و نزد مالک پی بی شستن هم فرض

آنکه نماز را بنا برین احادیث احمد بن حنبل تارک یک نماز را عمداً  
کافر میدانند و شافعی بروی حکم بقتل میکنند نه کفر و نزد امام غلام  
اوراجس دینی واجب است تا که توبه کند و الله اعلم پس باید دانست  
که نماز را شتر اقط و ارکان است چنانچه ذکر کرده شود انشاء الله تعالی  
و از شرائط نماز طهارت بدست از نجاست حقیقی و نجاست مجازی  
طهارت پارچه و طهارت مکان پس اول مسائل طهارت باید دانست

فصل در وضو بداند فرض در وضو چهار چیز است شستن و از موی  
تأزیر و قرن تا هر دو گوش و هر دو دست با هر دو آنج و مسح چهار حصه  
سر و تن هر دو پای با هر دو تنگ انگ اگر ریش گنجان با رسیا  
آب زیر موی ریش ضرورت اگر ازین چهار عضو مقدار ناخن  
هم خشک ناند وضو درست نباشد و نزد امام شافعی و احمد و مالک  
نیت و ترتیب هم فرض است و نزد مالک پی بی شستن هم فرض

کتاب الطهارة  
فصل در وضو بداند فرض در وضو چهار چیز است شستن و از موی  
تأزیر و قرن تا هر دو گوش و هر دو دست با هر دو آنج و مسح چهار حصه  
سر و تن هر دو پای با هر دو تنگ انگ اگر ریش گنجان با رسیا  
آب زیر موی ریش ضرورت اگر ازین چهار عضو مقدار ناخن  
هم خشک ناند وضو درست نباشد و نزد امام شافعی و احمد و مالک  
نیت و ترتیب هم فرض است و نزد مالک پی بی شستن هم فرض

آنکه نماز را بنا برین احادیث احمد بن حنبل تارک یک نماز را عمداً  
کافر میدانند و شافعی بروی حکم بقتل میکنند نه کفر و نزد امام غلام  
اوراجس دینی واجب است تا که توبه کند و الله اعلم پس باید دانست  
که نماز را شتر اقط و ارکان است چنانچه ذکر کرده شود انشاء الله تعالی  
و از شرائط نماز طهارت بدست از نجاست حقیقی و نجاست مجازی  
طهارت پارچه و طهارت مکان پس اول مسائل طهارت باید دانست

کتاب الطهارة  
فصل در وضو بداند فرض در وضو چهار چیز است شستن و از موی  
تأزیر و قرن تا هر دو گوش و هر دو دست با هر دو آنج و مسح چهار حصه  
سر و تن هر دو پای با هر دو تنگ انگ اگر ریش گنجان با رسیا  
آب زیر موی ریش ضرورت اگر ازین چهار عضو مقدار ناخن  
هم خشک ناند وضو درست نباشد و نزد امام شافعی و احمد و مالک  
نیت و ترتیب هم فرض است و نزد مالک پی بی شستن هم فرض

و نزد احمد بسم الله گفتن و آب در دهن بینی کردن هم فرض است  
و نزد مالک اجماع تمام سرفرض است پس احتیاط در آنست که  
این همه بجا آورده شود مسلم و سنت در وضو آنست که اول دو  
دست تا بند دست سه بار بشوید بسم الله الرحمن الرحیم گوید  
و سه بار آب در دهن کند و مسواک کند و سه بار آب در بینی کند  
و بینی پاک کند و سه بار تمام رو بشوید و سه بار هر دو دست  
بهر دو آرنج بشوید و مسح تمام سر کند یکبار و هر دو گوش را هم  
همراه مسح کند آب جدید شرط نیست و هر دو پای آب است انگ  
سه بار بشوید و اگر در پایاموزه داشته باشد و موزه را بپوشد  
طهارت کامل پوشیده باشد و یک شبانه روز و مسافر  
سه شبانه روز از وقت حدث جائزست که موزه از پا نکند  
و مسح بر موزه کرده باشد و اگر موزه پاریه باشد تقبی که در  
رفتار مقدار سه انگشت یا تا شش شود مسح بر آن و انباشد اگر

کتاب التوضیح فی فروع الفقه  
و در وضو آنست که اول دو دست تا بند دست سه بار بشوید بسم الله الرحمن الرحیم گوید  
و سه بار آب در دهن کند و مسواک کند و سه بار آب در بینی کند  
و بینی پاک کند و سه بار تمام رو بشوید و سه بار هر دو دست  
بهر دو آرنج بشوید و مسح تمام سر کند یکبار و هر دو گوش را هم  
همراه مسح کند آب جدید شرط نیست و هر دو پای آب است انگ  
سه بار بشوید و اگر در پایاموزه داشته باشد و موزه را بپوشد  
طهارت کامل پوشیده باشد و یک شبانه روز و مسافر  
سه شبانه روز از وقت حدث جائزست که موزه از پا نکند  
و مسح بر موزه کرده باشد و اگر موزه پاریه باشد تقبی که در  
رفتار مقدار سه انگشت یا تا شش شود مسح بر آن و انباشد اگر

و در وضو آنست که اول دو دست تا بند دست سه بار بشوید بسم الله الرحمن الرحیم گوید  
و سه بار آب در دهن کند و مسواک کند و سه بار آب در بینی کند  
و بینی پاک کند و سه بار تمام رو بشوید و سه بار هر دو دست  
بهر دو آرنج بشوید و مسح تمام سر کند یکبار و هر دو گوش را هم  
همراه مسح کند آب جدید شرط نیست و هر دو پای آب است انگ  
سه بار بشوید و اگر در پایاموزه داشته باشد و موزه را بپوشد  
طهارت کامل پوشیده باشد و یک شبانه روز و مسافر  
سه شبانه روز از وقت حدث جائزست که موزه از پا نکند  
و مسح بر موزه کرده باشد و اگر موزه پاریه باشد تقبی که در  
رفتار مقدار سه انگشت یا تا شش شود مسح بر آن و انباشد اگر

و در وضو آنست که اول دو دست تا بند دست سه بار بشوید بسم الله الرحمن الرحیم گوید  
و سه بار آب در دهن کند و مسواک کند و سه بار آب در بینی کند  
و بینی پاک کند و سه بار تمام رو بشوید و سه بار هر دو دست  
بهر دو آرنج بشوید و مسح تمام سر کند یکبار و هر دو گوش را هم  
همراه مسح کند آب جدید شرط نیست و هر دو پای آب است انگ  
سه بار بشوید و اگر در پایاموزه داشته باشد و موزه را بپوشد  
طهارت کامل پوشیده باشد و یک شبانه روز و مسافر  
سه شبانه روز از وقت حدث جائزست که موزه از پا نکند  
و مسح بر موزه کرده باشد و اگر موزه پاریه باشد تقبی که در  
رفتار مقدار سه انگشت یا تا شش شود مسح بر آن و انباشد اگر







در وقت غسل شستن تمام بدن و آب در دهن و در بینی کرد  
بانه شستن خاص مطلق و بجمع مطلق شستن هر چه باشد  
فرض است و سنت آنست که اول دست بشوید و نجاست  
حقیقی از بدن پاک کند پیش وضو کند لیکن اگر در جائیکه آب  
غسل جمع میشود غسل میکند پایی بعد غسل بشوید و سه بار تمام بدن  
بشوید و بر زن سائیدن آب بیخ موسیقا بافته وضو شستن گاه  
موسیقی بافته ضرورت نیست و بر مرد اگر موسی سهر داشته باشد شستن  
موسیقی تمام آن از سر تا بن فرض است  
فصل پنجم  
غسل جماعت در قبل شد یا در و بر مرد یا زن اگر طه ازال  
اگر چه طه طه یعنی شستن گاه و غسل شستن باشد  
داخل شده باشد  
بر فاعل وضو و فاعل  
نشود و دیگر ازال است بجهنم کی و شست و در بیداری یا در  
خواب و از خواب دیدن بدون ازال غسل واجب نشود  
و اگر حیض یا نفاس چون منقطع شود غسل واجب اگر چه  
موجب غسل  
اقل حیض سه روز شب و اکثر آن ده روز و اکثر نفاس چهل روز  
است و اقل آنرا حدی نیست درین مدت بهر رنگ  
بکساعت جمیع حیض باشد

فصل در غسل شستن تمام بدن و آب در دهن و در بینی کرد  
بانه شستن خاص مطلق و بجمع مطلق شستن هر چه باشد  
فرض است و سنت آنست که اول دست بشوید و نجاست  
حقیقی از بدن پاک کند پیش وضو کند لیکن اگر در جائیکه آب  
غسل جمع میشود غسل میکند پایی بعد غسل بشوید و سه بار تمام بدن  
بشوید و بر زن سائیدن آب بیخ موسیقا بافته وضو شستن گاه  
موسیقی بافته ضرورت نیست و بر مرد اگر موسی سهر داشته باشد شستن  
موسیقی تمام آن از سر تا بن فرض است  
فصل پنجم  
غسل جماعت در قبل شد یا در و بر مرد یا زن اگر طه ازال  
اگر چه طه طه یعنی شستن گاه و غسل شستن باشد  
داخل شده باشد  
بر فاعل وضو و فاعل  
نشود و دیگر ازال است بجهنم کی و شست و در بیداری یا در  
خواب و از خواب دیدن بدون ازال غسل واجب نشود  
و اگر حیض یا نفاس چون منقطع شود غسل واجب اگر چه  
موجب غسل  
اقل حیض سه روز شب و اکثر آن ده روز و اکثر نفاس چهل روز  
است و اقل آنرا حدی نیست درین مدت بهر رنگ  
بکساعت جمیع حیض باشد

در وقت غسل شستن تمام بدن و آب در دهن و در بینی کرد  
بانه شستن خاص مطلق و بجمع مطلق شستن هر چه باشد  
فرض است و سنت آنست که اول دست بشوید و نجاست  
حقیقی از بدن پاک کند پیش وضو کند لیکن اگر در جائیکه آب  
غسل جمع میشود غسل میکند پایی بعد غسل بشوید و سه بار تمام بدن  
بشوید و بر زن سائیدن آب بیخ موسیقا بافته وضو شستن گاه  
موسیقی بافته ضرورت نیست و بر مرد اگر موسی سهر داشته باشد شستن  
موسیقی تمام آن از سر تا بن فرض است  
فصل پنجم  
غسل جماعت در قبل شد یا در و بر مرد یا زن اگر طه ازال  
اگر چه طه طه یعنی شستن گاه و غسل شستن باشد  
داخل شده باشد  
بر فاعل وضو و فاعل  
نشود و دیگر ازال است بجهنم کی و شست و در بیداری یا در  
خواب و از خواب دیدن بدون ازال غسل واجب نشود  
و اگر حیض یا نفاس چون منقطع شود غسل واجب اگر چه  
موجب غسل  
اقل حیض سه روز شب و اکثر آن ده روز و اکثر نفاس چهل روز  
است و اقل آنرا حدی نیست درین مدت بهر رنگ  
بکساعت جمیع حیض باشد

در وقت غسل شستن تمام بدن و آب در دهن و در بینی کرد  
بانه شستن خاص مطلق و بجمع مطلق شستن هر چه باشد  
فرض است و سنت آنست که اول دست بشوید و نجاست  
حقیقی از بدن پاک کند پیش وضو کند لیکن اگر در جائیکه آب  
غسل جمع میشود غسل میکند پایی بعد غسل بشوید و سه بار تمام بدن  
بشوید و بر زن سائیدن آب بیخ موسیقا بافته وضو شستن گاه  
موسیقی بافته ضرورت نیست و بر مرد اگر موسی سهر داشته باشد شستن  
موسیقی تمام آن از سر تا بن فرض است  
فصل پنجم  
غسل جماعت در قبل شد یا در و بر مرد یا زن اگر طه ازال  
اگر چه طه طه یعنی شستن گاه و غسل شستن باشد  
داخل شده باشد  
بر فاعل وضو و فاعل  
نشود و دیگر ازال است بجهنم کی و شست و در بیداری یا در  
خواب و از خواب دیدن بدون ازال غسل واجب نشود  
و اگر حیض یا نفاس چون منقطع شود غسل واجب اگر چه  
موجب غسل  
اقل حیض سه روز شب و اکثر آن ده روز و اکثر نفاس چهل روز  
است و اقل آنرا حدی نیست درین مدت بهر رنگ  
بکساعت جمیع حیض باشد

باشد و ای سفیدی خالص خون حیض نفاس انکاشته شود  
 و اقل طهر یا زده روز است آنچه از سه روز کمتر و از ده روز زیاد  
 حیض دیده شود و آنچه از چهل روز زیاد و در نفاس دیده شود  
 خون استحاضه باشد که مانع نماز و روزه نیست اگر زنی حیض  
 زیاده از عادت شود تا ده روز مرض گفته شود و اگر از ده روز  
 زیاده شود پس آنچه از عادت زیاده باشد همان استحاضه است  
 و متدیر را زیاده از ده روز استحاضه گفته شود و پاک که در میان  
 مدت حیض یا نفاس یافته شود حیض و نفاس است بلکه  
 از حیض نفاس نماز ساقط شود قضای آن واجب نیست  
 روزه را حیض و نفاس مانع است لیکن قضا واجبست و جماع  
 و حیض و نفاس حرام است نه در استحاضه و حیض اگر پیش از  
 ده روز منقطع شود بدون غسل کردن زن و طهری حلال نشود  
 مگر آنکه وقت نماز بگذرد و در قطع بعد ده روز بدون

[illegible]





















## جدول متعلقہ صفحہ ۲۵

جدول اقدار سائے اصلی باختلاف شہر و دوازده گانه جلای داکگری و ہندی و بلاد شہر ہندوستان بحساب اقدام و دقائق باطل و عرض بنا  
و قین ہر بلکہ انا قالم بعد سائے اصلی عبارت ست از سائے ہر چیز ہنگام رسیدن مرکز آفتاب بر خط نصف النهار کہ وقت ظہر ہنگام زوال و تجاوز  
از آنست و مراد از قدم در اینجا ہفتم صد فیزی و مراد از دقیقہ در اینجا شصتم حصہ قدم ست و بر التیس حساب کسور توانی و ثلث و غیر ہما در اینجا حد  
کرده شد باید دانست کہ این حساب استخراج از اطلال اقدام با دلاکت ارتفاع از کتب نو کہ در اینجا آورده اند و طریق استخراج اطلال با اقدام  
آنست کہ درجات عرض باید مطلوب الظل از نصف و نیز ضرب نمایند حاصل ضرب را بنصبت تقسیم نمایند پس خارج قسمت ظل اقدام باشد فقط

تخلی آفتاب در برج اثنا عشر	حل	نور	جزا	سطلان	اسد	سنبلہ	میزان	مقرب	قوس	جری	دلو	حوت			
قطب شمالی	زوری	اردی	نزداد	نیر	مرداد	شہر	مہم	آبان	آذر	دی	بنہ	اسفند	محل	اقدام	اول
قطب شمالی	مہم	بکھ	نقش	کرک	سگ	مہم	مہم	بکھ	دین	کر	کسہ	مین	محل	اقدام	اول
قطب شمالی	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱
اقدام و دقائق	۲۵۲	۵۵+	۱۰+	۳۲+	۱۰+	۵۵+	۴۵۱	۸۶	۴۵	۳۹۶	۴۵	۸	۱۹+	۱۵۱۳	اول
دولت آباد	۳۶۲	۶۱	۲	۲۱	۲۱	۲۱	۲۱	۲۱	۲۱	۲۱	۲۱	۲۱	۲۱	۲۱	دوم
سورت	۴۵۲	۱۳۱	۸	۱۲	۸	۱۳	۱۳	۱۳	۱۳	۱۳	۱۳	۱۳	۱۱۰+	۳۰۲۱	دوم
کلکتہ	۵۰۲	۱۸۱	۱۳	۱۱	۱۳	۱۵	۱۵	۱۵	۱۵	۱۵	۱۵	۱۵	۱۲۲+	۳۹۲۷	دوم
احمد آباد	۱۳	۲۶	۲۲	۱	۲۲	۲۶	۱۳	۲۶	۳۹	۲۶	۳۹	۱۲	۱۵۲۳	۱۱۰۸	دوم
کالی و مرشد آباد	۱۵۳	۱۱۱	۳۴	۱۲	۳۲	۱۵۳	۱۱۵	۱۱۵	۱۱۵	۱۱۵	۱۱۵	۱۱۵	۲۲۵	۱۱۶	دوم
الہ آباد و بہار	۲۵۳	۲۹۱	۲۲	۱۹	۲۲	۲۵۳	۲۵۳	۲۵۳	۲۵۳	۲۵۳	۲۵۳	۲۵۳	۲۲۵	۱۱۶	دوم
بنارس و غنم آباد	۲۶۳	۵۱۱	۲۱	۲۱	۲۱	۲۶۳	۲۶۳	۲۶۳	۲۶۳	۲۶۳	۲۶۳	۲۶۳	۲۶۳	۲۶۳	دوم
مونگیر	۲۶۳	۵۱۱	۲۱	۲۱	۲۱	۲۶۳	۲۶۳	۲۶۳	۲۶۳	۲۶۳	۲۶۳	۲۶۳	۲۶۳	۲۶۳	دوم

تمہ جہدول اقدار سایہ اصلی متعلقہ صفحہ ۲۵

[illegible]

九









نماز فاسد گردد و موبهائی سوزن که فرو بسته باشند عضویت  
 علیّه اگر چهارم حصّه آن برهنه شود نماز فاسد گردد و مسئله  
 در نوازل گفته که آواز زن هم عورت است این بهام گفته که  
 برین تقدیر اگر زن بقراوت بجهر خواند نمازش شود مسئله هر ایا  
 برای سحر عورت نباشد نماز او برهنه جایز است مسئله اگر جاب  
 قبله معلوم نشود تحرّی کرده موافق تحرّی نماز گزارد  
 و بدون تحرّی نمازش جائز نیست مسئله هر که بسبب  
 دشمن یا عدم قدرت بسبب مرض رو بقبیله تواند آورد و تحرّی  
 که ممکن باشد نماز گزارد مسئله نماز نفل صحرا بر چهار پایه هر  
 که چهار پایه رود جائز است مسئله نیت شرط نماز نیست  
 نیت بر نفل و سنت و تراویح جائز است و بر فرض و وترین  
 نیت متصل تحرّمیه و در آنگاه نماز ظهری خوانم یا عصری  
 و نیت اقتدای بر تقدیمی از هر جهت و نیت عدد و کلمات شرط

نماز فاسد گردد و موبهائی سوزن که فرو بسته باشند عضویت  
 علیّه اگر چهارم حصّه آن برهنه شود نماز فاسد گردد و مسئله  
 در نوازل گفته که آواز زن هم عورت است این بهام گفته که  
 برین تقدیر اگر زن بقراوت بجهر خواند نمازش شود مسئله هر ایا  
 برای سحر عورت نباشد نماز او برهنه جایز است مسئله اگر جاب  
 قبله معلوم نشود تحرّی کرده موافق تحرّی نماز گزارد  
 و بدون تحرّی نمازش جائز نیست مسئله هر که بسبب  
 دشمن یا عدم قدرت بسبب مرض رو بقبیله تواند آورد و تحرّی  
 که ممکن باشد نماز گزارد مسئله نماز نفل صحرا بر چهار پایه هر  
 که چهار پایه رود جائز است مسئله نیت شرط نماز نیست  
 نیت بر نفل و سنت و تراویح جائز است و بر فرض و وترین  
 نیت متصل تحرّمیه و در آنگاه نماز ظهری خوانم یا عصری  
 و نیت اقتدای بر تقدیمی از هر جهت و نیت عدد و کلمات شرط

نماز فاسد گردد و موبهائی سوزن که فرو بسته باشند عضویت  
 علیّه اگر چهارم حصّه آن برهنه شود نماز فاسد گردد و مسئله  
 در نوازل گفته که آواز زن هم عورت است این بهام گفته که  
 برین تقدیر اگر زن بقراوت بجهر خواند نمازش شود مسئله هر ایا  
 برای سحر عورت نباشد نماز او برهنه جایز است مسئله اگر جاب  
 قبله معلوم نشود تحرّی کرده موافق تحرّی نماز گزارد  
 و بدون تحرّی نمازش جائز نیست مسئله هر که بسبب  
 دشمن یا عدم قدرت بسبب مرض رو بقبیله تواند آورد و تحرّی  
 که ممکن باشد نماز گزارد مسئله نماز نفل صحرا بر چهار پایه هر  
 که چهار پایه رود جائز است مسئله نیت شرط نماز نیست  
 نیت بر نفل و سنت و تراویح جائز است و بر فرض و وترین  
 نیت متصل تحرّمیه و در آنگاه نماز ظهری خوانم یا عصری  
 و نیت اقتدای بر تقدیمی از هر جهت و نیت عدد و کلمات شرط

نماز فاسد گردد و موبهائی سوزن که فرو بسته باشند عضویت  
 علیّه اگر چهارم حصّه آن برهنه شود نماز فاسد گردد و مسئله  
 در نوازل گفته که آواز زن هم عورت است این بهام گفته که  
 برین تقدیر اگر زن بقراوت بجهر خواند نمازش شود مسئله هر ایا  
 برای سحر عورت نباشد نماز او برهنه جایز است مسئله اگر جاب  
 قبله معلوم نشود تحرّی کرده موافق تحرّی نماز گزارد  
 و بدون تحرّی نمازش جائز نیست مسئله هر که بسبب  
 دشمن یا عدم قدرت بسبب مرض رو بقبیله تواند آورد و تحرّی  
 که ممکن باشد نماز گزارد مسئله نماز نفل صحرا بر چهار پایه هر  
 که چهار پایه رود جائز است مسئله نیت شرط نماز نیست  
 نیت بر نفل و سنت و تراویح جائز است و بر فرض و وترین  
 نیت متصل تحرّمیه و در آنگاه نماز ظهری خوانم یا عصری  
 و نیت اقتدای بر تقدیمی از هر جهت و نیت عدد و کلمات شرط

[illegible][illegible][illegible]

کدامانی الکافی چون قیام فی الجنت

فصل در ارکان نماز و افرائض نماز کہ در اصل نماز اند کی تحریمت

که شرط است برای تحریر اینچه در سائر ارکان شرط است از طهارت

وستر عورت و استقبال قبلہ و وقت نماز و نیت و دو رکعت

وقعدہ اخیرہ در فوج و ہمارکت وقعدہ اخیرہ در ظہر و عصر و

عناوہ کے تحت و قعدہ اخیرہ در مغرب و وتر و دو رکعت و

قوله انما هو نفاذ وخروج از نماز به فعل اصلا مرفوع است

عبدالمیرزا حسن بن علی

نزد امام اسلم و محسن در هر هر یک پیام است. بجز

الفاظ علما و فراد است در دستان و در هر یک از این

فرض و هل مرض است و رد امام اجماع و ادوات برادر است

رکعات و الرض حمسه وض است و در هر سه رکعت هر دو رکعت هر

فصل وقوسه و جلسہ و قرار گرفتن در ارکان و مضامین و دیباچہ

و تزد اکثر علما فرض نیست و فرض در قراوت نزد امام احمدی است

است و نزدانی یوسف و محمد سه آیه خرد بر سرور کوشنریا یک آیه

باب شد اما بنویسد  
 قد جلیع او شد آنچه بدو  
 لغای اکلانی چون تلیع بود  
 خف و خفت که مصیبت افغان  
 کز بد بکار ارم خود که هیچ  
 مقتدری شکله انداخته است  
 نیل گرفت و کار بر اعدا  
 افتار کعب دست نیابد  
 کردانی اخلاص و بی شک  
 با غیب و بدید و شک  
 حکام الناس ازین خلقت  
 فاند و خست تلیع او  
 دود و دوزخ و کفر  
 شش عجز و بی شک  
 از اندر دست باز  
 کج کبریا  
 در کشید و کج  
 فخر و کبریا











نماز باطل شود و از ترک واجب بستمحوبه سهو واجب شود پس  
اگر سجده سوگرد نماز درست شد و اگر سجده سو نکرد یا واجباً  
ترک کرد واجب است که نماز را اعاده کند و دیگر آنکه در فرض قنوت  
فرق نمیکند مگر آنکه سجده سهو از ترک بعضی واجبات و بعضی سنن  
گویند **مسئله** سجده سهو آنست که بعد سلام هر دو سجده کند و نشسته  
در دو دو عاخواند سلام دهد و اگر پیش از سلام سهو کند میهم و  
باشد و اگر در رکعات چهار و پنج سهو ترک کند یکبار سجده سهو کند و  
بسی سبوق سجده سهو کند بتابع امت امام و اگر در نماز علی بن خود سهو  
باز سجده سهو کند **مسئله** جماعت در نمازها سه پنجگانه فرض است  
تزد اجمالیکن نماز مفروض صحیح است و نزد شافعی جماعت فرض  
کفایه است و نزد ابی حنیفه و مالک جماعت سنت ماکه است  
قریب واجب احتمال فوت جماعت سنت فجر را که ماکه ترین  
سنتهاست ترک کند و اگر مردی هر یک از جماعت عادت کند

نماز باطل شود و از ترک واجب بستمحوبه سهو واجب شود پس  
اگر سجده سوگرد نماز درست شد و اگر سجده سو نکرد یا واجباً  
ترک کرد واجب است که نماز را اعاده کند و دیگر آنکه در فرض قنوت  
فرق نمیکند مگر آنکه سجده سهو از ترک بعضی واجبات و بعضی سنن  
گویند **مسئله** سجده سهو آنست که بعد سلام هر دو سجده کند و نشسته  
در دو دو عاخواند سلام دهد و اگر پیش از سلام سهو کند میهم و  
باشد و اگر در رکعات چهار و پنج سهو ترک کند یکبار سجده سهو کند و  
بسی سبوق سجده سهو کند بتابع امت امام و اگر در نماز علی بن خود سهو  
باز سجده سهو کند **مسئله** جماعت در نمازها سه پنجگانه فرض است  
تزد اجمالیکن نماز مفروض صحیح است و نزد شافعی جماعت فرض  
کفایه است و نزد ابی حنیفه و مالک جماعت سنت ماکه است  
قریب واجب احتمال فوت جماعت سنت فجر را که ماکه ترین  
سنتهاست ترک کند و اگر مردی هر یک از جماعت عادت کند

نماز باطل شود و از ترک واجب بستمحوبه سهو واجب شود پس  
اگر سجده سوگرد نماز درست شد و اگر سجده سو نکرد یا واجباً  
ترک کرد واجب است که نماز را اعاده کند و دیگر آنکه در فرض قنوت  
فرق نمیکند مگر آنکه سجده سهو از ترک بعضی واجبات و بعضی سنن  
گویند **مسئله** سجده سهو آنست که بعد سلام هر دو سجده کند و نشسته  
در دو دو عاخواند سلام دهد و اگر پیش از سلام سهو کند میهم و  
باشد و اگر در رکعات چهار و پنج سهو ترک کند یکبار سجده سهو کند و  
بسی سبوق سجده سهو کند بتابع امت امام و اگر در نماز علی بن خود سهو  
باز سجده سهو کند **مسئله** جماعت در نمازها سه پنجگانه فرض است  
تزد اجمالیکن نماز مفروض صحیح است و نزد شافعی جماعت فرض  
کفایه است و نزد ابی حنیفه و مالک جماعت سنت ماکه است  
قریب واجب احتمال فوت جماعت سنت فجر را که ماکه ترین  
سنتهاست ترک کند و اگر مردی هر یک از جماعت عادت کند

با آنکه قتال باید کرد مسلمة جماعت زنان تساهل و ای خفیه مکره است  
 و نزد و اگر ائمه جائز نیست مسلمة اولی برای امامت قاری تر است  
 از احکام نماز واقف باشد پسر عالم تر که قرآن یا بخوبی آهسته خواند و  
 نزد اکثر علما به عکس آن امامت فاسق جائز است با کرمیت و عهد  
 مرقاری بالغ بگوید و زن امی و اقتدای مقررین منتفل جائز  
 نیست و اگر امی قاری امی را امامت کند نماز هر سه طبل شود و نماز  
 پس محدث جائز نیست و از فساد نماز امام نماز مقتدی فاسد شود  
 و نماز قائم خلف قاعد و نماز متوضی خلف یتیم جائز است و نماز  
 رکوع و سجود کننده خلف اشارت کننده جائز نیست بلکه اگر یک  
 مقتدی باشد برابر امام بردست است بپیتد و دو مقتدی می نیاید  
 خلف امام بپیتد و تنها خلف صف اگر کسی نماز گزارد و نمازش  
 مکره باشد و نزد احمد نمازش جائز نباشد اگر مقتدی از امام  
 مقدم شود نمازش باطل است و این ماحیه از انس و ایت کرده

با آنها قتال بایکدیگر و ستمت زنان تنان و ابی حنیفه کرده  
 و نزد و گرامی جانزست ستمانه اولی برای امامت قاری تر است  
 از احکام نماز واقف باشد پسر عالم ترک قرآن یا بجزیه ملوۃ خواند و  
 نزد اکثر علما به عکس آن امامت فاسق جانزست با کبریت و همد  
 مرقاری بالغ بگوید و زن امی و اقتدای مقرر من متفضل با  
 نیست و اگر امی قاری امی را امامت کند نماز هر سه طبل شود و نماز  
 پس محدث جانزست و از نماز امام نماز مقتدی فاسد شود  
 و نماز قائم خلف قاعد و نماز متوضی خلف یتیم جانزست و نماز  
 رکوع و سجود کننده خلف اشارت کننده جانزست ستمانه اگر یک  
 مقتدی باشد برابر امام بر دست است بپتد و دو مقتدی می زیاده  
 خلف امام بپتند و تنها خلف صف اگر کسی نماز گزار و نمازش  
 مکروه باشد و نزد احمد نمازش جانز نباشد اگر مقتدی از امام  
 مقدم شود نمازش باطل است و این ماحیه از انس وایت کرده













برای یک قدرت دیرینه ای  
در میان برای سجده است  
دیرینه ای در روز و شب  
که این را می بینیم که از  
گویی براسی که از  
بودن در زمانه های  
که اگر عقیقه بود باید داشت  
چون نیست دوری فیضان

و اگر امام باشد خلیفه گیرد و وضو کند و داخل مقتدیان شود و مقتدی  
وضو کرده باز آید بکافی که از آنجا رفته بود و درین عرصه آنچه امام  
خوانده است اول آنرا بدون قرائت ادا کند و با امام شریک  
و اگر امام از نماز فارغ شده است مقتدی مختار است اگر خواهد بکاف  
اول باز آید و اگر خواهد جایگه وضو کرده همانجا نماز تمام کند و اگر  
عمداً حدث کند نماز فاسد شود و اگر در نماز مجنون شد یا احتلام کرد  
یا قهقهه کرد یا نجاست مانع نماز بروی اقتاد یا زخمی بوی رسید  
یا بگمان حدث از مسجد برآمد یا خارج مسجد از حد صفوف برآمد  
پسرها هر شد که حدث نشد بود نماز فاسد شود و بنا جائز نباشد  
و اگر از مسجد یا صفوف خارج نشده بنا کند و اگر بعد تشهید حدث لاحق  
شد وضو کند و سلام دهد و اگر بقصد بعد تشهید حدث کرد و در امام غلط  
نمازش تمام شد و اگر درین حالت تیمم کند بر آفتاب و شد یا امی سورتی  
آموخت یا بر مینه برپا شد یا قاور شد یا کف کند بر کوع و سبوح قاور شد

[illegible]



۴۴  
 سلام خوانده شود  
 و اگر در وقت آنکه بخواند  
 بگوید یا ایها الذی لا اله الا انت  
 یا ذا الجلال و الاکرام  
 یا ارحم الراحمین  
 یا خیر البر  
 یا قاضی الحاجات  
 یا غنی  
 یا قهار  
 یا دافع البلاء  
 یا مذهب الباطل  
 یا مذهب الحق  
 یا مذهب الاسلام  
 یا مذهب السیما  
 یا مذهب النبی  
 یا مذهب الخیر  
 یا مذهب الطهر  
 یا مذهب العز  
 یا مذهب الشرف  
 یا مذهب المجد  
 یا مذهب النور  
 یا مذهب الهدی  
 یا مذهب النجاة  
 یا مذهب السعادة  
 یا مذهب النور  
 یا مذهب الهدی  
 یا مذهب النجاة  
 یا مذهب السعادة

نماز هر دو فاسد شود و در روایتی نماز امام فاسد نشود و اگر زن و مرد  
 را خلیفه نکرده باشد **مسئله** اگر امام از قرائت بند شود او را خلافت  
 گرفتن جائز است اگر مایحوزه باشد **مسئله** اگر شخصی  
 امام را در نماز دریابد هر جا که امام را دریابد در همان رکن داخل شود  
 و اگر رکوع یافت رکعت یافت و الا رکعت نیافت پس هرگاه  
 امام نماز خود تمام کند بسبوق بعد فرغ امام آنچه فوت شده آن  
 خود بخواند و نماز بسبوق در حق قرائت حکم اول نماز دارد و در حق  
 قعود حکم آخر نماز دارد **مسئله** اگر صلی بعد دو رکعت بفرستد چهار رکعت  
 رکعت ثالث بر سجده و تبه اول نکرده پس تا که فرضیه بقعود نیست بشیند  
 و سجد سه سجد واجب نشود و اگر از دو رکعت قیامت استاده شود و از بار  
 نشسته است نماز فاسد شود و سجد سه سجد واجب و اگر سجد چهار رکعت است  
 تا که رکعت پنجم را سجود نکرده است بشیند و قعود انیره کرده سلام دهد و سجد  
 سه سجد و اگر رکعت پنجم را سجده کرده باشد **مسئله** باطل شد اگر خواند

و اگر در وقت آنکه بخواند  
 بگوید یا ایها الذی لا اله الا انت  
 یا ذا الجلال و الاکرام  
 یا ارحم الراحمین  
 یا خیر البر  
 یا قاضی الحاجات  
 یا غنی  
 یا قهار  
 یا دافع البلاء  
 یا مذهب الباطل  
 یا مذهب الحق  
 یا مذهب الاسلام  
 یا مذهب السیما  
 یا مذهب النبی  
 یا مذهب الخیر  
 یا مذهب الطهر  
 یا مذهب العز  
 یا مذهب الشرف  
 یا مذهب المجد  
 یا مذهب النور  
 یا مذهب الهدی  
 یا مذهب النجاة  
 یا مذهب السعادة  
 یا مذهب النور  
 یا مذهب الهدی  
 یا مذهب النجاة  
 یا مذهب السعادة

در نماز هر دو فاسد شود و در روایتی نماز امام فاسد نشود و اگر زن و مرد را خلیفه نکرده باشد










سفر الی آصفہ  
بر زمین بدون  
غلب کردن

و نهادن ستره و خط کشیدن فائده ندارد و ستره امام قوم را  
کفایت میکند و گذریده را اگر ستره نباشد مصلی از گذشتن دفع کند شائبه  
یا سبب نه بهر دو مسئله اگر نماز کند بر پارچه دوته که ستر آن نجس باشد  
اگر آن دوته مضرب نباشد نماز صحیح باشد و اگر مضرب باشد صحیح نباشد  
و اگر بر پارچه گسترانیده نماز کند که محیط از آن نجس باشد نماز  
روا باشد از حرکت دادن طرفی دیگر طرف متحرک شود یا نشود  
و اگر پارچه دراز باشد یک طرفی از آن پوشیده نماز گزارد و طرفی دیگر  
نجس بر زمین باشد اگر از تحریک مصلی طرف پارچه که نجس است متحرک  
میشود نماز روا نباشد و اگر متحرک نشود روا باشد مسئله مکرر است  
عبث کردن در نماز بر پارچه یا بدن اگر عمل قلیل باشد و اگر عمل  
کثیر است مفسد است و سنگریزه از موضع سجود یکسو کردن مگر در صورتیکه  
سجود ممکن نباشد یکبار یا دو بار سنگریزه دفع کند و مکرر است انگشتان  
را مالیده و کشیده با و از  دست بر تکی گاه

[illegible]

نهادن و بسوی راست یا چپ رو آوردن اگر سینه از سوی قبله  
 بزرگردد و اگر برگردد نماز فاش شود و مکروه است اقل یعنی بر سرین و  
 یا زانو بر داشته و دست بر زمین نهاده مثل گشتستن هر دو  
 فراع را در سجده بر زمین فرش کردن و جواب سلام بپوشیدن  
 کردن و چهار زانو بی عذر در فرض نشستن و پارچه را بر آ  
 احتیاط خاک آلودگی چیدن و سدل ثوب یعنی پارچه ای  
 سر و دوش انداخته اطراف آنرا جمع نکنند فرو گزارند و فاشه کردن  
 باید که فاشه را دفع کنند و سرفه را تا مقدور دفع کنند و تپلی یعنی بن  
 را برای دفع ماندگی کشیدن و چشم پوشیده داشتن بلکه نظر  
 در سجده گاه دارد و مکروه است که موی سر را بالای سینه  
 گرده داده نماز ادا کردن بلکه سنت آنست که اگر مو سر  
 داشته باشد موی فرو بسته باشد تا موی هم سجده کنند هم  
 مکروه است نماز بر مینه سر گذاشتن مگر بنا بر تدلیس انکسار و شمار کردن

خطای بی گناه است که در نماز  
 سرخسختن یا بپوشیدن یا در وقت  
 نشستن یا در وقت سجده یا در وقت  
 نماز کردن یا در وقت نماز خواندن  
 و غیره است که در این کتاب مذکور است

که در وقت نماز خواندن یا در وقت  
 نماز خواندن یا در وقت نماز خواندن  
 و غیره است که در این کتاب مذکور است

که در وقت نماز خواندن یا در وقت  
 نماز خواندن یا در وقت نماز خواندن  
 و غیره است که در این کتاب مذکور است

که در وقت نماز خواندن یا در وقت  
 نماز خواندن یا در وقت نماز خواندن  
 و غیره است که در این کتاب مذکور است

که در وقت نماز خواندن یا در وقت  
 نماز خواندن یا در وقت نماز خواندن  
 و غیره است که در این کتاب مذکور است











دو گانه گزارد و سلمه در سفر معصیت نروا که شصت و سه فقره روان نهند  
 نزد امام اعظم روست انظار روزه و اجابت تسبیح نماز و سجده  
 نیت اقامت و سفر نیت تبویع معتبر است یعنی امیر و سپید و سوار  
 نیت تابع یعنی لشکری و عید و زوجه فصل از نماز جمعه  
 صحت او ای جمعه و سقوط ظاهر از مصلی جمعه شش خیر شرط است  
 یک مصر یعنی شهر که در آن حاکم و قاضی باشد یا  
 نواح مصر که برای حجاج اهل مصر میا باشد پس در و هات  
 نزد امام اعظم جمعه جائز نیست و نزد شافعی و اکثر ائمه در و هات  
 جمعه جائز است و در نواح مصر جائز نیست و دوم حضور یا و شای  
 یا ناب و و این نزد اکثر ائمه شرط نیست سوم وقت ظهر چهارم  
 نه خطبه است یا نزد ابی حنیفه خطبه مقدار یک سبوح کفایت میکند  
 و نزد صاحبین سه غایت است که ذکر طول باشد و دو خطبه  
 نه اندک شش بر حمد و صلوة و اوت قرآن و وصیت

[illegible][illegible]



[illegible]

او گفته شود و مردم بسوی متوجه شوند و چون خطبه تمام کند راقا  
گفته شود مسئله در نماز جمعه سوره جمعه و منافقون از آن است  
و برای تی سجده اهل ایام مسئله در یک شهر چهار سجده واجب  
است و بر روایتی از امام عظیم سوگند است که اگر نپند جا  
جمعه گزارده شود اول صحیح باشد نه بعد آن و مرکب از ابی است  
آنست که در میانه شهر اگر نهر جاری باشد هر دو جانب آن دو جمعه  
خواندن جائز است فصل در نمازها واجب سوگند نماز پنجگانه و یک  
نماز نزد اکثر ائمه واجب و نزد امام عظیم و ترجم حجت و عید  
و عید الاضحی نیز واجب است و نزد غیر او این هر سه نماز سنت است  
و ترکت است نزد امام عظیم یک سلام در هر سه رکعت قیام  
و سوره خواند و بعد قرائت پیش از رکوع در رکعت سوم قنوت  
خواند تمام سال و نزد شافعی قنوت در نصف اخیر رمضان  
سنت است و قنوت **بسم الله** بعد رکوع در قنوت مستحب است

عالمی که در خطبه است  
تقدیر است که در خطبه است  
عالمی که در خطبه است  
تقدیر است که در خطبه است  
عالمی که در خطبه است  
تقدیر است که در خطبه است

اینکه خطبه واجب است  
و در هر دو رکعت  
و در هر دو رکعت  
و در هر دو رکعت  
و در هر دو رکعت  
و در هر دو رکعت

و اینست که در خطبه  
و اینست که در خطبه  
و اینست که در خطبه  
و اینست که در خطبه  
و اینست که در خطبه  
و اینست که در خطبه

و اینست که در خطبه  
و اینست که در خطبه  
و اینست که در خطبه  
و اینست که در خطبه  
و اینست که در خطبه  
و اینست که در خطبه





و با هر تکبیر هر دو دست بردارد و پستر تکبیر رکوع گوید این تکبیر رکوع  
در نماز عید واجبست اگر فوت شود سجدۀ سهوا لازم گردد و نماز  
عید اگر کسی همراه امام در نیاید آنرا قضایست و اگر بعد از نماز  
عید الفطر از امام و قوم فوت شود روز دوم ادا کنند بعد از آن  
و عید الاضحی را تا خیر تا دو روز هم جائز است **مسئله** عید الاضحی  
مثل عید الفطر است مگر آنکه مستحب آنست که بعد نماز از اضحیه خود  
بخورد و قبل نماز هم خوردن مکروه نیست و اضحیه پیش از نماز عید  
جائز نیست و تکبیر در راه مصلی در عید الاضحی سبب میگفته باشد  
**مسئله** تکبیرات تشریعی بعد هر نماز فرض که جماعت گزارده  
برقیسم بصر واجب است از صبح روز عرفه تا عصر روز عید زو و امام <sup>عظم</sup>  
و تا عصر تاریخ سیزدهم زو و صاحبین و فتوی آنست اگر زن  
یا مسافر اقتدا بقیم کند بر آنها هم تکبیر واجب شود و بگوید کی یا  
یا و از بلند الله اکبر الله اکبر لا اله الا الله و الله اکبر الله اکبر

[illegible][illegible]







سوره مائده خوانده و تقدیری قیام کرده همان قدر رکوع و همچنان  
 قوسه و همچنان سجود و همچنان جلسه ادا فرموده و گاهی یک رکعت  
 این چهار سوره جمع فرموده و حضرت عثمان رضی الله عنه در یک رکعت  
 و تمام قرآن ختم کرده یکمین استحب است که هر روز آنقدر بخواند که  
 دوام بر آن تواند کرد و در ماهی یک ختم کند یا دو ختم یا سه ختم و اکثر صحاب  
 در هفت شب ختم میفرمودند شب اول سه سوره بقره و آل عمران  
 و سار شب دوم نخبوه باز هفت سوره باز نه باز یازده باز سوره با  
 تا آخر قرآن و این ختم را فنی شوق می نامند و قرآن تبرئیل خوانند و  
 مستحب است که نماز صبح جماعت خوانده تا بلند شدن آفتاب  
 ذکر مشغول باشد آن زمان دو گانه نفل گزارد و ثواب یک حج و یک عمره  
 کامل دریافتد و اگر چهار رکعت اول روز بخواند حق تعالی میفرماید که تا  
 آخر روز او را کفایت کند و این انما از شراق گویند و چون آفتاب  
 گرم شود پیش از زوال نماز صبحی شصت رکعت از پیه خدام و شیفته

تولید این چهار سوره

سوره بقره و آل عمران

و سار و مائده و آل عمران

فصل فی شوق و فنی شوق

سوره مائده و سار و آل عمران

یونس و سار و آل عمران

نبی اکبر و آل عمران

شیشین سوره شوق

از دو سوره و هفت

و از قافله و هفت

تا آخر قرآن

کست پنج رکعت

نمایان نماز مسجد

و بعد زوال پیش از ظهر چهار رکعت نفل مروی گشته و هرگاه وضو  
صدیکند تحیة الوضوء دو گانه سنت است و هرگاه در مسجد در آید و  
رکعت تحیة المسجد سنت است و بعد عصر تا مغرب در هر گاه که  
مشغول ماندن سنت است مسلمة جماعت در نفل مکروه است  
مگر در رمضان سنت است که بیت رکعت بدو سلام بگذارد  
یا جماعت در هر رکعت ده آیت خواند تا در تمام رمضان ختم را  
شود و از کس قوم ازین کم نکند و اگر قوم را غلبه باشد در تمام  
رمضان دو ختم یا سه ختم یا چهار ختم کند و بعد هر چهار رکعت  
بمقدار آن چهار رکعت جلسید و بنده که مشغول باشد و این اثر را  
گویند و بعد از اوج و تر جماعت گذارد و سوا رمضان و  
جماعت مکروه است نماز استخاره اگر کار می پیش آید سنت  
که استخاره کند وضو کند و دو گانه نفل گزارد و بعد دو گانه  
حمد خدا و درود بر پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم و این دعا بخواند

[illegible]

کتابی که در دست  
مؤلف کرده است  
و از جامع میگردان  
در این کتاب  
نیز بدون ادیان  
که ذکر آن نیست  
تولید به سلام  
عبدالمؤمنین محمد  
صاحب زعفران  
الفاطمی علیه السلام  
رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم  
ذو القعدة سنه ۱۰۸۵

[illegible]

انست کہ درون شان بقیام  
ان عربی بود چنانکہ

۱۲  
ایمان را در حقانیت و کرمی است  
شکر از این که در حقانیت و کرمی است  
و مسامحه و دوست داشتن  
استقامت و ابروی کردن کارها و در حقانیت  
ولایت شکر

اللهم انی استخیرک بعلک و استقدرک بقدرتک و اسألك  
من فضلك العظیم فانک تقدر و الالات رو تعلم  
ولا اعلم و انت علام الغیوب اللهم ان کنت تعلم ان  
هذ الامر خیر لی فی دینی و دنیای و عاقبتہ امری  
فقد رده و یتره لے ثم بارک لے فیہ و ان  
کنت تعلم انه شر لے سنے وینے او دنیای  
او عاقبتہ امرے فاصرفه عنی و اصر فے  
عنه و انت در لے انجیہ حیث کان  
ثم رتضه به من از توبه اگر معصیت سرزند  
باید که زود وضو کند و دو گانه نماز گزارد و استغفار  
کند و از ان توبه کند برگزشته عداست کشد  
و آینده عسرم بکند که باز مرکب آن نه شوم ساز  
حاجت اگر او را حاجت پیش برید وضو کند و دو گانه نماز

اللهم انی استخیرک بعلک و استقدرک بقدرتک و اسألك  
من فضلك العظیم فانک تقدر و الالات رو تعلم  
ولا اعلم و انت علام الغیوب اللهم ان کنت تعلم ان  
هذ الامر خیر لی فی دینی و دنیای و عاقبتہ امری  
فقد رده و یتره لے ثم بارک لے فیہ و ان  
کنت تعلم انه شر لے سنے وینے او دنیای  
او عاقبتہ امرے فاصرفه عنی و اصر فے  
عنه و انت در لے انجیہ حیث کان  
ثم رتضه به من از توبه اگر معصیت سرزند  
باید که زود وضو کند و دو گانه نماز گزارد و استغفار  
کند و از ان توبه کند برگزشته عداست کشد  
و آینده عسرم بکند که باز مرکب آن نه شوم ساز  
حاجت اگر او را حاجت پیش برید وضو کند و دو گانه نماز

اللهم انی استخیرک بعلک و استقدرک بقدرتک و اسألك  
من فضلك العظیم فانک تقدر و الالات رو تعلم  
ولا اعلم و انت علام الغیوب اللهم ان کنت تعلم ان  
هذ الامر خیر لی فی دینی و دنیای و عاقبتہ امری  
فقد رده و یتره لے ثم بارک لے فیہ و ان  
کنت تعلم انه شر لے سنے وینے او دنیای  
او عاقبتہ امرے فاصرفه عنی و اصر فے  
عنه و انت در لے انجیہ حیث کان  
ثم رتضه به من از توبه اگر معصیت سرزند  
باید که زود وضو کند و دو گانه نماز گزارد و استغفار  
کند و از ان توبه کند برگزشته عداست کشد  
و آینده عسرم بکند که باز مرکب آن نه شوم ساز  
حاجت اگر او را حاجت پیش برید وضو کند و دو گانه نماز

۹۶  
 سلامه و سلامه و سلامه  
 از آن که در این دنیا  
 نیست هیچ چیز که  
 بر او برسد و بر او  
 از آن که در این دنیا  
 نیست هیچ چیز که  
 بر او برسد و بر او  
 از آن که در این دنیا  
 نیست هیچ چیز که  
 بر او برسد و بر او

گزار و حمد و صلوة گفته این دعا بخواند لا اله الا الله

الحليم الكريم سبحانه وتعالى العرش العظيم

سب العالمین اساکے موجباتِ رحمک و عزامت

شکر و انصاف من کل جزا احد من کل ذنب

و السلامت من كل اثم الامم الى يومنا الاغفر له ولا اله الا هو

الأفرجة ولاؤينا الا قضيت ولا عاقبة من عوارج الدنيا

والآخرة هي لك رضا الا قضيتها يا ارحم الراحمين

نماز تسبیح مشکوٰۃ التبیح برای مغفرت جمیع ذنوب صغیر

و کبر و خطا و عجز و علانیه در حدیث آمده پیغمبر را

غم خود عباس راضی القدر عنه آموخته بود چهار رکعت در

سرگرمی بعد قراوت پائزده بار سجان الله و الحمد لله

ولا اله الا الله والله اكبر خواند و در كوع ده بار و در قوسه

ده بار و سجده ده بار و در طلب ده بار و در سجده دوم

[illegible]

فصل سومه فصل سوره اقلاس  
است و در این سوره که در  
عقباتی نام دارد و شده فصل  
علاقه است و در این سوره  
چهار عقیباتی است و در این  
این سوره در شانزده گانه که در  
در بعضی مواضع که در این  
حسن گفت و در این سوره  
سال و در این سوره  
از این سوره است و در این  
و در این سوره است

مردودا عدو و فضائل و قاضی عیاض

[illegible]

Checked  
1987

فردوسی  
بختیاری  
رضی الله عنه  
بنی عباس  
الفرکان عبد الله  
استاد کرمه  
روز و جمعه  
نعمت و عزت  
افشاران  
والله اعلم  
صلی الله علیه  
وآله  
و سلم  
لنقل





طلب باران برای استسقا گاهی رسول الله صلی الله علیه وسلم فقط دعا فرموده و گاهی در خصبه جمعه دعا کرده و عمر رضی الله عنه برای استسقا برآمد و استغفر رنمود و پس دلند از امام اعظم ح و استسقا نماز سنت موكده نیست بلكه گفته كه استسقا دعا و استغفار است و اگر نماز گزار ندانند تناسلها جائز است لیکن از نبی صلی الله علیه وسلم روایت صحیح در استسقا نماز بجاعت ثابت شده و لند ابی یوسف و محمد و اکثر علماء گفتند كه امام همراه جماعت مسلمین بمصلی برآید و گفت را همراه نباشند و امام با جماعت دو گانه نماز گزارد و قرائت بجهر خواند و بعد نماز مثل عید و خطبه بخواند و استغفار کند و دعائی استسقا با دعیه ماثوره بخواند

اللهم استقنا عشنا مرثیانا فاعنا غیر ضار عا جلا غیر اجل رائث ممرع النبات اللهم اسق عبادك و بهائمك و انزل رحمتك و اخي بلدك المیت و نحو ذك

[illegible][illegible][illegible]









در سجده و نماز و غیره  
 ۳۴

بلکه سجده سهوا لازم آید اگر سهوا ترک کرده مسئله اگر نذر کرده  
 فردا نماز نفل گزارم یا روزه دارم پس حائضه شد قضا لازم  
 آید مسئله نفل نشسته خواندن بی عذر با وجود قدرت بر  
 قیام جائز است لیکن نشسته بی عذر خواندن ثواب یک درجه دارد  
 و بستماده خواندن دو درجه و اگر استاده شروع کرد و نشسته  
 تمام کرد هم جائز است لیکن با اگر است مگر بعذر ماندگی و هم جائز  
 است بسبب ماندگی تکبیر بر دیوار کردن و نفل مسئله نفل  
 گزاردن برپا یا شتر یا مانند آن خلج مصر جائز است با اشاره  
 رکوع و سجود کند بهتر شود که رو کند مرکوب او مسئله اگر شروع  
 کرد برپا پس بر زمین آمد همان نماز با رکوع و سجود تمام کند  
 و تروابی یوسف رحمه الله نماز از سر گیرد و اگر بر زمین نماز  
 شروع کرد و پشتر سوار شد نمازش با اتفاق جمل شدن با نکلند  
 فصل سجود تلاوت واجب شود بر کسی که آیت سجده بخواند

در سجده و نماز و غیره  
 ۳۴

بیان سجده تلاوت

در سجده و نماز و غیره  
 ۳۴

در سجده و نماز و غیره  
 ۳۴

در سجده و نماز و غیره  
 ۳۴





نزدیک خواند یک سجده کفایت کند و اگر سجده کرد پس نماز شروع کرد و باز همان آیه خواند باز سجده کند سئوال اگر شخصی در مجلس یک آیه سجده بارها خواند یک سجده کفایت کند و اگر آیه دیگر خواند یا مجلسی دیگر شد سجده دیگر کند و اگر مجلس تلاوت کند متحد است مجلس سامع غیر متحد بر تلاوت کند یک سجده واجب شود و بر سامع و سجد و بعکس آن اگر مجلس سامع متحد باشد نه مجلس و نه مستتمه کیفیت سجده آنست که باشد شرط نماز تکبیر گویان بسجده و تسبیح گوید و تکبیر گویان از سجده بردارد و تحریمه تشهد و سلام و سجده تلاوت نیست مستتمه مکرر است که تمام سوره خواند و آیت سجد بخواند و بعکس مکرر نیست یکدو آیه یا آیه سجده ضم کرده خواندن بهتر است و بهتر آنست که آیه سجده همیشه خواند تا بر سامعان سجده واجب نشود

همان آیه خواند یک سجده کفایت کند و اگر سجده کرد پس نماز شروع کرد و باز همان آیه خواند باز سجده کند سئوال اگر شخصی در مجلس یک آیه سجده بارها خواند یک سجده کفایت کند و اگر آیه دیگر خواند یا مجلسی دیگر شد سجده دیگر کند و اگر مجلس تلاوت کند متحد است مجلس سامع غیر متحد بر تلاوت کند یک سجده واجب شود و بر سامع و سجد و بعکس آن اگر مجلس سامع متحد باشد نه مجلس و نه مستتمه کیفیت سجده آنست که باشد شرط نماز تکبیر گویان بسجده و تسبیح گوید و تکبیر گویان از سجده بردارد و تحریمه تشهد و سلام و سجده تلاوت نیست مستتمه مکرر است که تمام سوره خواند و آیت سجد بخواند و بعکس مکرر نیست یکدو آیه یا آیه سجده ضم کرده خواندن بهتر است و بهتر آنست که آیه سجده همیشه خواند تا بر سامعان سجده واجب نشود

کتاب اجناب

سوت همیشه یادداشتن و حیث نامه با وجوب به الوصیته

در بیان این که در سجده کفایت کند و اگر سجده کرد پس نماز شروع کرد و باز همان آیه خواند باز سجده کند سئوال اگر شخصی در مجلس یک آیه سجده بارها خواند یک سجده کفایت کند و اگر آیه دیگر خواند یا مجلسی دیگر شد سجده دیگر کند و اگر مجلس تلاوت کند متحد است مجلس سامع غیر متحد بر تلاوت کند یک سجده واجب شود و بر سامع و سجد و بعکس آن اگر مجلس سامع متحد باشد نه مجلس و نه مستتمه کیفیت سجده آنست که باشد شرط نماز تکبیر گویان بسجده و تسبیح گوید و تکبیر گویان از سجده بردارد و تحریمه تشهد و سلام و سجده تلاوت نیست مستتمه مکرر است که تمام سوره خواند و آیت سجد بخواند و بعکس مکرر نیست یکدو آیه یا آیه سجده ضم کرده خواندن بهتر است و بهتر آنست که آیه سجده همیشه خواند تا بر سامعان سجده واجب نشود

در بیان این که در سجده کفایت کند و اگر سجده کرد پس نماز شروع کرد و باز همان آیه خواند باز سجده کند سئوال اگر شخصی در مجلس یک آیه سجده بارها خواند یک سجده کفایت کند و اگر آیه دیگر خواند یا مجلسی دیگر شد سجده دیگر کند و اگر مجلس تلاوت کند متحد است مجلس سامع غیر متحد بر تلاوت کند یک سجده واجب شود و بر سامع و سجد و بعکس آن اگر مجلس سامع متحد باشد نه مجلس و نه مستتمه کیفیت سجده آنست که باشد شرط نماز تکبیر گویان بسجده و تسبیح گوید و تکبیر گویان از سجده بردارد و تحریمه تشهد و سلام و سجده تلاوت نیست مستتمه مکرر است که تمام سوره خواند و آیت سجد بخواند و بعکس مکرر نیست یکدو آیه یا آیه سجده ضم کرده خواندن بهتر است و بهتر آنست که آیه سجده همیشه خواند تا بر سامعان سجده واجب نشود









۱۹ قولہ دوستی کی برکت  
ای بار آورده دوستی کا حسن  
صلی علی سمیت فی اسجد  
فلا صلواتی بر او را  
اسی کہ بر او را در آید  
خدا کرتر از انست  
نارشدند ہم کر و دوسر  
نارشدند نہ خوانند نہ بای  
خدا کر و با ایوان  
خدا کر و لا

کتابخانه عمومی  
مکتبہ اسلامیہ  
بازار کلاں  
لاہور

[illegible][illegible]



































مشکوٰه خرافات

نزدای خضعه ساری اجناس  
جایز است و در ماه شریف  
از آنکه در ماه شریف  
است و در ماه شریف  
است و در ماه شریف  
است و در ماه شریف  
است و در ماه شریف  
است و در ماه شریف

پیش از خروج بمصلی ادا کند اگر روز عید صدقه فطر ادا نکرد  
هرگاه خوابد قضا کند سکه مقدار صدقه فطر نصف صاع است  
از گندم یا آرد گندم یا سویق گندم یا یک صاع است از خرما  
یا جو کشمش مثل گندم است نزد امام عظمی مثل جو زرقین  
صاع ظرفی باشد که در آن شست طل از حدس یا ماش یا مانند  
آن گنجد و زوای یوسف پنج طل و ثلث طل و طل است است  
باشد و هر چهار و نیم مثقال پس وزن یک طل بر برسی و شش و نیم  
سکه و بی است و دادن قیمت عوض صدقه فطر جائز است فصل دیگر  
صدقه نافله است بوالدین و اقربین و یتامی و مساکین و یمیتا  
و سائلین غنیمه بد هر قال الله تعالی یسئلونک ما ذانیفقون  
قل ما انفقتم من خیر فللوالدین الا لیکن تبرأنت که آنچه  
از حوائج اصلی و دیون و نفقات و حقوق و اجبه بامهر و مهر  
خرج نکند پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم بعد از خیر فقره

این صاع فطری است  
بست است و در ماه شریف  
است و در ماه شریف  
است و در ماه شریف  
است و در ماه شریف  
است و در ماه شریف  
است و در ماه شریف  
است و در ماه شریف

در این صاع فطری  
بست است و در ماه شریف  
است و در ماه شریف  
است و در ماه شریف  
است و در ماه شریف  
است و در ماه شریف  
است و در ماه شریف  
است و در ماه شریف

مشکوٰه خرافات  
نزدای خضعه ساری اجناس  
جایز است و در ماه شریف  
از آنکه در ماه شریف  
است و در ماه شریف  
است و در ماه شریف  
است و در ماه شریف  
است و در ماه شریف









رسولان علیہ السلام و  
نبیہ علیہم السلام و  
کون فیہم کرام و  
السلطان الودیع و  
اشادہ و  
ہلال اکبر و  
دارالکرام و  
باب العزیز و  
باب العزیز و  
آئینہ محراب و  
گنبد شہداء و  
آئینہ عالمگیر و  
آئینہ شہادت و

شب اول یک نیت کافیست اگر اول شب ماه نیت سنی کرد  
در میان رمضان مجنون شد و چند روزه در جنون گذشت و بفرست  
از و بوقوع نیامد و مالک روزه با صحیح شد و نزد ائمه شایسته ایام خوب  
را روزه قضا کند بر آفت نیت اگر جنون تمام ماه رمضان را گرفت  
روزه ساقط شود قضا واجب نگردد و اگر یک ساعت از رمضان مجنون  
را یافت شد ایام گذشته را قضا کند اگر چه در حال بلوغ مجنون بود یا  
از آن مجنون شد <sup>پیش آمد</sup> بلکه بدین ماه رمضان یا تمام شدن سنی و شبها  
روزه واجب و برکات شهادت ماه رمضان اگر آسمان ابری یا مندان آن در  
یک مرد یا یک زن عادل کافی است حرا باشد یا رفیق و برای شهادت  
شوال در این چنین حال مرد و مرد عادل یا یک زن از احرار عدل لفظ شهادت  
شرط است اگر مطلع صفا باشد در رمضان شوال جماعتی عظیم میباید  
مسئله اگر بر رمضان شهادت یک کس ثابت شده باشد و روز  
سنی ماه مذکور شد افطار جائز نیست اگر شهادت دوم ثابت شد

[illegible][illegible]

















روزه در روزی که در آن روز ماه رمضان است

را که در روزی که در آن روز ماه رمضان است

را که در روزی که در آن روز ماه رمضان است

را که در روزی که در آن روز ماه رمضان است

را که در روزی که در آن روز ماه رمضان است

را که در روزی که در آن روز ماه رمضان است

را که در روزی که در آن روز ماه رمضان است

را که در روزی که در آن روز ماه رمضان است

را که در روزی که در آن روز ماه رمضان است

یا بفرمزد قضا واجب نشود و اگر بعد صحت و اقامت مرد و در هر  
 قدر ایام که بعد صحت و اقامت ریافتند همان قدر روزه را قضا  
 واجب شود چون قضا نکردند بر وی اول سال آنها بشتر طاعت  
 و هبیت که فدیة و در عوض هر روزه طعام یک مسکین بقدر صدقه  
 فطر و بدون وصیت واجب نیست و اگر تبرع کند صحیح شود <sup>احسان ۱۱</sup>  
 قضای رمضان اگر خواهد پی به پی گذارد و اگر خواهد تفرق اگر  
 تمام سال قضا کرد و رمضان دیگر آمد روزه رمضان دیگر او را  
 کند بهتر بابت رمضان اول قضا کند و در صورت هیچ فدیة  
 و هبیت سلیقه فانی که از روزه عاجز باشد افطار کند و  
 عوض هر روزه بقدر صدقه فطر طعام کند بهتر اگر قدرت روزه  
 بهم رسد قضا بروی و آب شستن مستلزم حامله یا شیر خوردن  
 اگر نفس خود یا بچه خود غوط کند افطار کند و قضا کند و فدیة واجب  
 فصل روزه نفل شرب واجب شود مگر روزه ایام منیة فطریة

کتابت اگر روزی که در آن روز ماه رمضان است  
 قضا واجب نشود و اگر بعد صحت و اقامت مرد و در هر  
 قدر ایام که بعد صحت و اقامت ریافتند همان قدر روزه را قضا  
 واجب شود چون قضا نکردند بر وی اول سال آنها بشتر طاعت  
 و هبیت که فدیة و در عوض هر روزه طعام یک مسکین بقدر صدقه  
 فطر و بدون وصیت واجب نیست و اگر تبرع کند صحیح شود  
 قضای رمضان اگر خواهد پی به پی گذارد و اگر خواهد تفرق اگر  
 تمام سال قضا کرد و رمضان دیگر آمد روزه رمضان دیگر او را  
 کند بهتر بابت رمضان اول قضا کند و در صورت هیچ فدیة  
 و هبیت سلیقه فانی که از روزه عاجز باشد افطار کند و  
 عوض هر روزه بقدر صدقه فطر طعام کند بهتر اگر قدرت روزه  
 بهم رسد قضا بروی و آب شستن مستلزم حامله یا شیر خوردن  
 اگر نفس خود یا بچه خود غوط کند افطار کند و قضا کند و فدیة واجب  
 فصل روزه نفل شرب واجب شود مگر روزه ایام منیة فطریة

کتابت اگر روزی که در آن روز ماه رمضان است  
 قضا واجب نشود و اگر بعد صحت و اقامت مرد و در هر  
 قدر ایام که بعد صحت و اقامت ریافتند همان قدر روزه را قضا  
 واجب شود چون قضا نکردند بر وی اول سال آنها بشتر طاعت  
 و هبیت که فدیة و در عوض هر روزه طعام یک مسکین بقدر صدقه  
 فطر و بدون وصیت واجب نیست و اگر تبرع کند صحیح شود  
 قضای رمضان اگر خواهد پی به پی گذارد و اگر خواهد تفرق اگر  
 تمام سال قضا کرد و رمضان دیگر آمد روزه رمضان دیگر او را  
 کند بهتر بابت رمضان اول قضا کند و در صورت هیچ فدیة  
 و هبیت سلیقه فانی که از روزه عاجز باشد افطار کند و  
 عوض هر روزه بقدر صدقه فطر طعام کند بهتر اگر قدرت روزه  
 بهم رسد قضا بروی و آب شستن مستلزم حامله یا شیر خوردن  
 اگر نفس خود یا بچه خود غوط کند افطار کند و قضا کند و فدیة واجب  
 فصل روزه نفل شرب واجب شود مگر روزه ایام منیة فطریة

روزه نقل بخیر روانیست و بجز روزه است وضیافت هم غدر است  
افطار کند و قضا لازم شود مسلم اگر در روز رمضان طفل بالغ شد  
یا کافر مسلمان گشت یا مسافر بمقیم شد یا حائضه پاک شد  
مساکن باقی روز واجب شود و مساکن کرد یا نکرد در هر دو صورت قضا  
واجب نشود مگر بر مسافر و حائض مسلمة روز عید الفطر و عید الا  
و ایام تشریق روزه حرمت از شروع در آن روز روزه واجب نشود  
لیکن اگر نذر کرد روزه این ایام را یا روزه تمام سال او در هر دو صورت  
درین روزه با افطار کند و قضا کند و اگر روزه داشت عاصی و لیکن  
از روزه ساقط شود و قضا نیاید فائده در حدیث آمده هر که  
بعد رمضان در شوال روزه دارد گویا که تمام سال روزه  
داشته باشد بعضی علما گفته اند که شش روزه در شوال  
مستغرق در متصل عید الفطر ندارد و تا شبته بنصاری نشود  
اندا متصل را مکروه داشته اند و فقهی بر آنست که مکروه نیست

[illegible][illegible]

۱۰۶

دوست حق دوستا  
بزرگ است کبریا  
عاشق و معشوقان  
فراقیت آرد زنده بود در غم  
غم آمد که آن حضرت علی  
ادین عباس رضی الله  
عنہ از قتل و جراح  
سازده روز بمجا ریوم  
گذره کرد و عافوا

[illegible]

و پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم در شعبان اکثر روزه داشتی و در بعضی  
احادیث بعد نصف شعبان از روزه نهی آمده بحجت آنکه ضعف  
مانع صوم رمضان نشود بلکه در هر ماه سه روزه داشتن منسوبست  
گاهی پیغمبر روزه ایام بیض سیزدهم چهاردهم پانزدهم و شانزدهم و گاهی  
اول ماه و گاهی آخر ماه و گاهی در هر عشر یک روزه و گاهی شبانه  
و دوشنبه و چشنبه یا دوشنبه و چشنبه و دوشنبه و گاهی در  
یکماه شنبه کیشنبه و دوشنبه و در ماه دوم شنبه چهارشنبه چشنبه  
روز عرفه هر که روزه دارد دو ساله گناه آن بخشیده شود لیکن گذشته  
و سال آینده و اگر روز عاشره روزه دارد یک سال گذشته گناه او  
بخشیده شود و مستحب آنست که با عاشره یکروز اول یا یکروز بعد از آن روزه  
دارد <sup>مستحب است</sup> و روزه روز جمعه نهانتر و بعضی علما مکروه است <sup>صنعت</sup> و در ابوابی  
و غیره <sup>مستحب است</sup> و الله اعلم و نیست مکروه صوم در هر ماه و صال <sup>مستحب است</sup> مکروه است  
و بهتر است صیام صیام داود است که یکروز روزه دارد و یکروز

کہ مہر و نیکوئی  
 عسبہ از ان تر و تیر و دم کز کوه  
 وار و سو۔ اگر کہ در ایام منہدی افطار  
 بلور و آتش  
 کند و آتش و مختار  
 در حق صاحب الدیم ہمار  
 آمدہ الا صام و لا افطار  
 ہے اسے روندہ ہی  
 متواتر سبب افطار و تہنیا  
 و در مختار

که سوزند بار و درم یکم برونش چنان دوازده  
عبد اران تنه تو دم گنونه هم چشم  
خار و سوخته کنی به درم خارا









۱۱۰

فقد جرد كرواقى جلس  
سرواقى اندرگ ارفون  
دلوندا مالى حيفنه وركه اندر  
عيايين بمعه اندر وركه اندر  
سپ حلال است نزد  
ما توداي حيفن مكرده  
روداي بوسنت رحمه الله  
فكركه ۱۱۰

و غیره حشرات چون زنبور و سنگ لشت و مانند آن و جانوری  
که غالب قوت وی نجاست باشد حرام است و زراعت که دانه و نجاست  
بر وی نخورد مکره است و است حلال است و نزد امام اعظم ح مکره  
و زراعت که فقط دانه می خورد و خرگوش و دیگر حیوانات بر  
حلال اند و از حیوانات دریا نزد امام اعظم ح سوا ماهی جمیع قسم  
خوید و جانور حلال نیست ماهی اگر در دریا مرد و بر آب مدرست  
نزد امام اعظم ح و ماهی و جراد و زنج شتر نیست ستم خوردن  
بقدریکه قوام زندگی باشد فرض است و بقدریکه بدان نماند ستم  
توان خواند و قوت بر ورزه حاصل شود مستحب است و تا نصف شکم  
سنون و تاپری شکم مباح است و اگر به نیت قوت جاد و بریل علوم  
دینی بخورد مستحب باشد و زیاده از پری شکم حرام است مگر به قصد ورزه  
فرد یا بخاطر مهمان ستم در حالت مخمضه یعنی در وقت اشتیاق  
مرگ اگر سنگی اگر ماکول حلال نیابد بپخته و مانند آن از

[illegible][illegible]

شاه دودمان  
 کائنات فانیان  
 ناماستاده توان خواند  
 و بعضی آن دست دراز کرد  
 به آن استاد توان خواند  
 ز حق گفتند اندر انداختند  
 در اختیار او  
 فکر زیاده اندیشی کم  
 آه و دوش آنست که  
 گمان غالب باشد  
 که بعد از فاسد  
 خود به بخت









[illegible]

و اگر داند که اکثر مال از حلال است جائزست فصل در لباس  
پارچه پوشیدن بقدر ستر عورت و دفع سرما و گرمایی  
مملک فرض است و زیاده ازان برای زینت مأمور و اطهار  
نعمت خدا و ادای شکر مستحب است و سنون آنست که لباس  
انگشت نمانوشد و دامن دراز تا نصف ساق باشد و  
دامن تا شتالنگ جائزست و فروتر ازان حرام است و شمله  
یک وجب بنیت سنت مستحب است و زیاده تکلف در لباس  
بنابر اسراف و تکبر حرامست یا کمزور و بدون آن مباح است  
مسئله معصوم و غیر عظمی مردان را حرامست نه زنان او و بر او است  
رنگ سرخ مردان را مطلقا کمزور است مگر مخطط مثل سوس  
و همچنین زرد مطلقا <sup>و کمزوری</sup> که کافی الدین گفته است  
مسئله پارچه که تار و پود آن ابریشم باشد زنا را حلال است  
و مردان را حرام است مگر مقدار چهار انگشت چون علم و آنچه پود  
آن ابریشم و تار آن از پنبه یا صوف باشد در حرب جائز است

[illegible]

۱۶ در مختار  
 قوت و جود علم کلمه کبریا  
 کز زبان ربیب کلام با آیت  
 ز زبان قفر و عرض پادشاه  
 عیان شد اگر قدرت چار  
 انگشت کلاه بشمار  
 دست با جگر و دگر  
 الغرض جان بست نه  
 المذات اکوانی نقصان  
 الا حساب  
 و جوی





[illegible][illegible][illegible]

کونانی قاضی خانان  
 جلالست بالا علی  
 نوری بودن اجادت  
 گرد علی شین زندان  
 شهادی تم در زندان  
 دیدن در زندان  
 پس سکا روی دسر  
 از تاس در دولت  
 شش باقی باقی  
 و کونانی است  
 کونانی است  
 کونانی است







۱۲۰. **سورة القصص** ۲۸

نبا شد و در آن منفعت باشد بائع رایا مشتری رایا بیع را که مستحق  
نفع باشد مسئله شرط کردن ملک مشتری مقتضای عقد است  
پس فاسد نیست شرط آنکه مشتری این جامه انفرود شد اگر چه بیع فاسد  
عقد نیست لیکن در آن منفعت کسی نیست پس فاسد نیست و شرط آنکه  
مشتری این پاپ را فرجه کند درین منفعت بیع است لیکن بیع  
انسان نیست که مستحق نفع باشد پس فاسد نیست چنین شرط  
لعوض است و بیع صحیح و شرط آنکه بائع یکماه در خانه بیعه سکونت  
کند درین نفع بائع است پس شرط فاسد است آنکه بائع این  
پارچه اجامه وخته دهد در آن نفع مشتری است نیز فاسد است و شرط  
آنکه عبد بیع مشتری آزاد کند درین نفع بیع است نیز فاسد است  
از اینچنین شرط بیع فاسد شود زیرا که تفصیل مسائل بیع بلل و  
فاسد در کتب فقه است ازین بیوع اجتناب واجب است بلکه  
ربو حرام است و بیع و قرض گناه کبیره است منکر حرمت

مشقه الكسحج  
 كره است اخيست خنده  
 رگه باي سوسه موم سوزان  
 قرض گيرد و نريند رگه  
 خط زانو بريد و گوان  
 از گريدن قهقهه گريه بيز  
 از شمشاد روزه و ازان  
 بر ايند و اگست و اگاب  
 مصيبت استي قبال  
 روايت كره است قبال  
 القوم على العو على كره  
 على الناس انا على اكل اليا  
 شرو و مفسد  
 فوسه اخيست خنده  
 رگه باي سوسه موم سوزان  
 قرض گيرد و نريند رگه  
 خط زانو بريد و گوان  
 از گريدن قهقهه گريه بيز  
 از شمشاد روزه و ازان  
 بر ايند و اگست و اگاب  
 مصيبت استي قبال  
 روايت كره است قبال  
 القوم على العو على كره  
 على الناس انا على اكل اليا

اصل اللہ ربیع استغفر اللہ  
مسلم روایت کردہ ہے کہ حضرت  
انقرضت علیہ السلام نے فرمایا کہ  
اگر اللہ ربیع ہو تو کون سا آدمی  
نہایت بے وقار ہو گا کہ اسے













از شتر می به بنچرم خرید یا آن پارچه ابا پارچه دیگر بدو درم خرید این  
بیع صحیح نباشد که در حکم بواست سنانج منقول پیش از قبض  
صحیح نیست اگر کیلی بشیر یا کیلی خرید و مشتری از بایع کیلی کرده گرفت  
بشیر بدست دیگری بشیر طری کیلی و مشتری ثانی را از آن طعام بیع  
خوردن یا بدست کسی دیگر فروختن جائز نیست که باو کیلی نکند و کیلی  
اول کافی نیست احتیاطا برای آنکه سباده اخیری و کیلی زیاده برآید  
و مال بایع باشد سنانجش محرم بخش است که کسی بدون قصد  
خرید خود را خریدار نموده قیمت بیع زیاده گوید یا کسی نمی گیرد مشتری فرب  
خورد سنانج اگر مسلمانی خرید میکند و نرخ مشخص میکند یا پیغام  
زنی داده دیگر بران آمده پیغام خود و بدو نمیشی مکرده است تا وقتیکه  
معامله خریدار اول دست نشود یا موقوف ماند سنانج کاروان  
غله را اگر کسی از شهر برآمده ملاقات کند و تمام غله را خرید نماید این  
تملیحی حکم نیست اگر این معنی اهل شهر را مضر باشد ممنوع باشد و اگر مضر نباشد

از شتر می به بنچرم خرید یا آن پارچه ابا پارچه دیگر بدو درم خرید این  
بیع صحیح نباشد که در حکم بواست سنانج منقول پیش از قبض  
صحیح نیست اگر کیلی بشیر یا کیلی خرید و مشتری از بایع کیلی کرده گرفت  
بشیر بدست دیگری بشیر طری کیلی و مشتری ثانی را از آن طعام بیع  
خوردن یا بدست کسی دیگر فروختن جائز نیست که باو کیلی نکند و کیلی  
اول کافی نیست احتیاطا برای آنکه سباده اخیری و کیلی زیاده برآید  
و مال بایع باشد سنانجش محرم بخش است که کسی بدون قصد  
خرید خود را خریدار نموده قیمت بیع زیاده گوید یا کسی نمی گیرد مشتری فرب  
خورد سنانج اگر مسلمانی خرید میکند و نرخ مشخص میکند یا پیغام  
زنی داده دیگر بران آمده پیغام خود و بدو نمیشی مکرده است تا وقتیکه  
معامله خریدار اول دست نشود یا موقوف ماند سنانج کاروان  
غله را اگر کسی از شهر برآمده ملاقات کند و تمام غله را خرید نماید این  
تملیحی حکم نیست اگر این معنی اهل شهر را مضر باشد ممنوع باشد و اگر مضر نباشد

از شتر می به بنچرم خرید یا آن پارچه ابا پارچه دیگر بدو درم خرید این  
بیع صحیح نباشد که در حکم بواست سنانج منقول پیش از قبض  
صحیح نیست اگر کیلی بشیر یا کیلی خرید و مشتری از بایع کیلی کرده گرفت  
بشیر بدست دیگری بشیر طری کیلی و مشتری ثانی را از آن طعام بیع  
خوردن یا بدست کسی دیگر فروختن جائز نیست که باو کیلی نکند و کیلی  
اول کافی نیست احتیاطا برای آنکه سباده اخیری و کیلی زیاده برآید  
و مال بایع باشد سنانجش محرم بخش است که کسی بدون قصد  
خرید خود را خریدار نموده قیمت بیع زیاده گوید یا کسی نمی گیرد مشتری فرب  
خورد سنانج اگر مسلمانی خرید میکند و نرخ مشخص میکند یا پیغام  
زنی داده دیگر بران آمده پیغام خود و بدو نمیشی مکرده است تا وقتیکه  
معامله خریدار اول دست نشود یا موقوف ماند سنانج کاروان  
غله را اگر کسی از شهر برآمده ملاقات کند و تمام غله را خرید نماید این  
تملیحی حکم نیست اگر این معنی اهل شهر را مضر باشد ممنوع باشد و اگر مضر نباشد







جائزست و حلال لیکن آنچه برای پیش روزه مقرر کرده اند واجب  
نمیشود و موافق و آن نمیرسد و همچنین جائزست که امیر مردم لشکر را  
بگوید که هر که پیش و در این قدر بوی بد بهم و همچنین حکم است آنکه دو  
طالب علم در مسئله اختلاف کنند و خواهند که با استاد رجوع آرند و برای  
حکم او موافق حکم او ستاد افتد چیزی مقرر کنند مسئله و گویند که  
سنت است و کسی که دعوت کرده شود باید که قبول کند و اگر بگوید  
قبول نکنم شوم مسئله از طعام دعوت چیزی بخانه خود نیارد  
و هم بسائل ندر دیگر با جازت مالک اگر داند که آنجا بسویا سرود  
است حاضر نشود و دعوت قبول نکند و اگر بعد آمدن از جای  
شد اگر قدرت منع دارد منع کند اگر نه پس اگر مقتدا باشد یا  
اوست و مجلس طعام باشد نشیند امام اعظم ح فرموده که بدان مسئله  
شدم پس صبر کردم یعنی پیش از مقتدا شدن مسئله سر  
حرمت است که از درازند است از ذکر الهی و هیچ شهوت است

[illegible][illegible][illegible]

کہ از دادن تا خوش سے خود

ابن سحر و قهر و آواز  
کندانی در این شهر است  
الاف کس از این شهر است  
العمران و القوم  
کرده از خانه  
از غم و فتنه و دزدان و دزدان  
و طوطی و مرغ و ماهی و ماهی  
منش است و منش است  
فوز و شکست و شکست  
دادن و زدن و زدن  
خوش و بد و بد

[illegible]





[illegible]

هم کرده است مسلم که حسن مال مسلمان بر عیب خوئی آنها  
 حرمت و بدترین دروغ شهادت دروغ است و قسم دروغ که بدان  
 مال مسلمان را با حق تلف کند حق تعالی دروغ را بر بدتر شمرده  
 و فرموده که بر پنهان کنی از بت پرستی و بر پنهان کنی از سخن دروغ  
 در حالیکه مسلمان از راه روزه باشد به مشرک مسلمة رشوت  
 و منهد و رشوت خورنده در دروغ باشد مگر آنکه داد و رشوت  
 دفع ظلم جائز است مسلم که هر حکم نکند موافق کتاب الله حق  
 آنها را کافر گفته مسلمة فیه و مناقشه که در میان افتد و آن  
 که آنرا بشیعه رجوع کند و آنچه شیعه در آن حکم کند اگر چه خلاف طبع  
 باشد و حیست که آنرا بطیب خاطر قبول کند مکر و دشمنی آن  
 کفر است و مستلزم انکار شیعه مسلمة عجیب و تکبر کردن و  
 نفس خود را از دیگران بهتر دانستن و عیب را حقیر دانستن حرمت  
 حق تعالی میفرماید نفس خود را نسبت بپاکی نکنی بلکه

[illegible][illegible]







۱- قلد و جین کوفتیه  
 ۲- آینه آفرینش ز نور  
 ۳- لا تقدر ان شئ من نور  
 ۴- نور الایمان من نور  
 ۵- سید تقی کوفتیه  
 ۶- که نور بیاست  
 ۷- نور کذا است  
 ۸- نور کذا است  
 ۹- نور کذا است  
 ۱۰- نور کذا است

آنچه خود بخورد بخوراند و آنچه خود پوشد بپوشاند و بجاری زیاده از طاقت او  
 امر نفرماید و اگر بجاری شاق امر کند باید که خود هم شریک شود  
 مستلمه بنده که اندیشه گریختن و باشد زنجیر در پای او انداختن جائز  
 است مستلمه بنده از خدمت مگر گریختن حرام است مستلمه تراشیدن  
 پیش از قبضه حرام و حیدر کوفتیه از ریش و مانند آن مکروه است  
 مستلمه کشیدن ریش و تراشیدن سبب ناهنجاری موی قبل و بعد  
 نهانی سنت است مستلمه غل شدن مردان زنان و حمام جائز  
 است لیکن بابرده و از ازار مستلمه معروف و نهی منکر واجب  
 از منکرات اگر مقدور شود و تها باشد از دست منع کند و اگر نتواند از زبان  
 منع کند و اگر نتواند یا مفید نداند از دل مکروه دارد و صحبت با منکر  
 ترک کند اگر انقدر هم نکند و و با آن نهی شریک باشد هم در دنیا و هم  
 آخرت مستلمه حب فی الله و بغض فی الله فرض است مستلمه  
 کسیکه بروی احسان کند شکر اگر چه در مکافات نمودن مستحب است

۱- مستحب است شستن  
 ۲- نظافت بدن قبل از نماز  
 ۳- افضل در وضو است و دست چپ را  
 ۴- حائز است و در دست راست  
 ۵- که پیش از نماز دست راست را  
 ۶- از معروف است و چپ را  
 ۷- از با معروف است و چپ را  
 ۸- از با معروف است و چپ را  
 ۹- از با معروف است و چپ را  
 ۱۰- از با معروف است و چپ را

۱- دوست داشتن  
 ۲- دوست داشتن  
 ۳- دوست داشتن  
 ۴- دوست داشتن  
 ۵- دوست داشتن  
 ۶- دوست داشتن  
 ۷- دوست داشتن  
 ۸- دوست داشتن  
 ۹- دوست داشتن  
 ۱۰- دوست داشتن



مرتب است اگر ببار گرفتار است و قریب آن عقاب باطله مرتبه دوم نجبه  
 در آن حقوق بندگان تلفت شود یعنی ظلم بر خون و مال و آبروی مسلمانان  
 حق تعالی تقوی خود بخشد و حقوق بندگان نه بخشد و نه بخشد از این  
 روایت کرده که رسول فرمود صلی الله علیه و آله و سلم مرتبه یازدهم  
 منادی از عرش آواز دهد که ای امت محمد حق تعالی شما همه مردود  
 مومنین را شایسته با هم حقوق بندگان بخشد و در پیل بهشت شوید  
 حافظ گوید و در سبب آن و بی هزار و هجده خواهی کن به که در حدیث  
 غیر از این گناهی نیست یعنی برابر این نیست مرتبه سوم حقوق الله  
 خالص است که آنچه در احادیث کبار و واروده بشماریم شرک و  
 باغی و مانعی والدین و قتل نفس و قتل و رفع و شهادت و دروغ و دشنام  
 مسینه و خوردن مال یتیم و خوردن ربوا و اگر سخت از جنگ کفار و محرم کردن  
 و قتل فرزندان کردن چنانکه کفار و خمران را قتل میکرد و زن را خصوصاً  
 با زن همسایه و سرقه و قطع طایفه که محارب با خدا و رسول است و نجبه

مرتب است اگر ببار گرفتار است و قریب آن عقاب باطله مرتبه دوم نجبه  
 در آن حقوق بندگان تلفت شود یعنی ظلم بر خون و مال و آبروی مسلمانان  
 حق تعالی تقوی خود بخشد و حقوق بندگان نه بخشد و نه بخشد از این  
 روایت کرده که رسول فرمود صلی الله علیه و آله و سلم مرتبه یازدهم  
 منادی از عرش آواز دهد که ای امت محمد حق تعالی شما همه مردود  
 مومنین را شایسته با هم حقوق بندگان بخشد و در پیل بهشت شوید  
 حافظ گوید و در سبب آن و بی هزار و هجده خواهی کن به که در حدیث  
 غیر از این گناهی نیست یعنی برابر این نیست مرتبه سوم حقوق الله  
 خالص است که آنچه در احادیث کبار و واروده بشماریم شرک و  
 باغی و مانعی والدین و قتل نفس و قتل و رفع و شهادت و دروغ و دشنام  
 مسینه و خوردن مال یتیم و خوردن ربوا و اگر سخت از جنگ کفار و محرم کردن  
 و قتل فرزندان کردن چنانکه کفار و خمران را قتل میکرد و زن را خصوصاً  
 با زن همسایه و سرقه و قطع طایفه که محارب با خدا و رسول است و نجبه

مرتب است اگر ببار گرفتار است و قریب آن عقاب باطله مرتبه دوم نجبه  
 در آن حقوق بندگان تلفت شود یعنی ظلم بر خون و مال و آبروی مسلمانان  
 حق تعالی تقوی خود بخشد و حقوق بندگان نه بخشد و نه بخشد از این  
 روایت کرده که رسول فرمود صلی الله علیه و آله و سلم مرتبه یازدهم  
 منادی از عرش آواز دهد که ای امت محمد حق تعالی شما همه مردود  
 مومنین را شایسته با هم حقوق بندگان بخشد و در پیل بهشت شوید  
 حافظ گوید و در سبب آن و بی هزار و هجده خواهی کن به که در حدیث  
 غیر از این گناهی نیست یعنی برابر این نیست مرتبه سوم حقوق الله  
 خالص است که آنچه در احادیث کبار و واروده بشماریم شرک و  
 باغی و مانعی والدین و قتل نفس و قتل و رفع و شهادت و دروغ و دشنام  
 مسینه و خوردن مال یتیم و خوردن ربوا و اگر سخت از جنگ کفار و محرم کردن  
 و قتل فرزندان کردن چنانکه کفار و خمران را قتل میکرد و زن را خصوصاً  
 با زن همسایه و سرقه و قطع طایفه که محارب با خدا و رسول است و نجبه







[illegible]

و شریعت است و معروفیقت و در خدمت درویشان بایدست  
و خیال نباید کرد که حقیقت بخلاف شریعت است که این سخن جمل  
بکفر است بلکه عین شریعت است که در خدمت درویشان چون طلب  
از تعلق ملی و بی که با سوای الله داشت پاک شود و زایل نفس  
بطلان گشت عارف مطهر شده و اخلاص به سرسان شریعت در حق  
با سر شود نماز و اعتقاد و دیگر همه رساند و در کت او بهتر از  
است و تکیه بر این شده همچنین صوم از و صدقه و رسول و  
صالح الله علیه و آله و سایر اگر شایسته احدی در راه خدا خرج کنید یا  
رایس و غیره <sup>یا کمال</sup> در راه خدا داده اند این از جهت  
قوت ایمان است <sup>یا کمال</sup> است نور باطن پنج صلی الله علیه و آله و سلم  
رسیده درویشان ایست رسیدن از سینه خود را روشن  
باید کرد تا هر چه در شریعت است صیحه دریافت شود ولی در قمر  
متقی را فرموده و در حدیث <sup>یا کمال</sup> است اولیاء الله فرموده

[illegible]

۱. کشف الحجاب  
 ۲. احکام وادب  
 ۳. کشفه بجهت  
 ۴. کشفه بجهت  
 ۵. کشفه بجهت  
 ۶. کشفه بجهت  
 ۷. کشفه بجهت  
 ۸. کشفه بجهت  
 ۹. کشفه بجهت  
 ۱۰. کشفه بجهت









[illegible]

ابانت کسی از پیغمبر آن کرد و کافر شود مسئله اگر کسی گفت که آدم علیه السلام  
 پاره می یافت دیگری گفت پس همه جلا بگایم کافر شود این دوم  
 مسئله اگر گوید آدم اگر گندم نمی خورد ما بخت نمیشدیم کافر شود  
 مسئله دومی گفت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم چنین میکرد  
 دیگری گفت که این بی ادبی است کافر شود مسئله اگر کسی گفت ما  
 تراشیدن سنت است دیگری گفت اگر چه سنت باشد نمیکند کافر شود  
 اگر گویند ما به کار آید کافر شود مسئله اگر کسی بگوید من کافر بودم و دیگر  
 گفت پر غوغا موزی اگر این سخن بروجه رود گفت کافر شود  
 و در تمام اینها سراجی گفته طالب دین اگر گوید اگر خدا میخواست  
 بتاخر ما فرشته و اگر گفت که اگر پیغمبر است کافر شود مسئله اگر  
 کسی گوید که حکم خدا چنین است آن کس گفت که حکم خدا را من  
 چه درم کافر شود مسئله اگر بسوی فتوی بید گفت که این  
 چه باز نامه فتوی آید روی اگر شخصیت ربک دانسته گفت

[illegible]

کافر شود مستأجر اگر گشتی گفت که حکم شرع چنین است این کس بزور  
 آروغ آورد و گفت اینک شریعت اکافر شود و اگر کسی گفته که با  
 فلان کس صلح کن انگس گفت بت اسجد کنم و با وی اشتی نکنم کافر  
 نشود چرا که اراده او بعید و نشتن صلحت اگر فاسق و مصلحا را بگوید یا  
 مسلمانی بینید و بسوی مجلس شوق اشاره کند کافر شود مستأجر اگر سخاو  
 میگوید شاد باد آنکه بر شادی باشد است ابو بکر طرخان گفته کافر شود  
 مسئله اگر زنی گوید لعنت بر شوئی دشمن باد کافر شود مستأجر اگر گشت  
 تا حرام یا بم کرد صلال چرا کردم کافر نشود مستأجر اگر کسی بیماری  
 اگر خواهی مرا مسلمان بمران و اگر خواهی کافر بمران کافر نشود  
 مسئله در فتاوی سراجی آورده که اگر گفت که مغزی بر من  
 فراخ کن یا بر من ظلم کن ابو نصر در کفر او توقف کرده و ظاهر  
 آنست که کافر شود که اعتقاد ظلم بر خدا کفر است مسئله  
 شخصی اذان میگوید دیگری گفت دروغ گفتی کافر نشود مسئله

کافر نشود مستأجر اگر گشتی گفت که حکم شرع چنین است این کس بزور  
 آروغ آورد و گفت اینک شریعت اکافر شود و اگر کسی گفته که با  
 فلان کس صلح کن انگس گفت بت اسجد کنم و با وی اشتی نکنم کافر  
 نشود چرا که اراده او بعید و نشتن صلحت اگر فاسق و مصلحا را بگوید یا  
 مسلمانی بینید و بسوی مجلس شوق اشاره کند کافر شود مستأجر اگر سخاو  
 میگوید شاد باد آنکه بر شادی باشد است ابو بکر طرخان گفته کافر شود  
 مسئله اگر زنی گوید لعنت بر شوئی دشمن باد کافر شود مستأجر اگر گشت  
 تا حرام یا بم کرد صلال چرا کردم کافر نشود مستأجر اگر کسی بیماری  
 اگر خواهی مرا مسلمان بمران و اگر خواهی کافر بمران کافر نشود  
 مسئله در فتاوی سراجی آورده که اگر گفت که مغزی بر من  
 فراخ کن یا بر من ظلم کن ابو نصر در کفر او توقف کرده و ظاهر  
 آنست که کافر شود که اعتقاد ظلم بر خدا کفر است مسئله  
 شخصی اذان میگوید دیگری گفت دروغ گفتی کافر نشود مسئله

کافر نشود مستأجر اگر گشتی گفت که حکم شرع چنین است این کس بزور  
 آروغ آورد و گفت اینک شریعت اکافر شود و اگر کسی گفته که با  
 فلان کس صلح کن انگس گفت بت اسجد کنم و با وی اشتی نکنم کافر  
 نشود چرا که اراده او بعید و نشتن صلحت اگر فاسق و مصلحا را بگوید یا  
 مسلمانی بینید و بسوی مجلس شوق اشاره کند کافر شود مستأجر اگر سخاو  
 میگوید شاد باد آنکه بر شادی باشد است ابو بکر طرخان گفته کافر شود  
 مسئله اگر زنی گوید لعنت بر شوئی دشمن باد کافر شود مستأجر اگر گشت  
 تا حرام یا بم کرد صلال چرا کردم کافر نشود مستأجر اگر کسی بیماری  
 اگر خواهی مرا مسلمان بمران و اگر خواهی کافر بمران کافر نشود  
 مسئله در فتاوی سراجی آورده که اگر گفت که مغزی بر من  
 فراخ کن یا بر من ظلم کن ابو نصر در کفر او توقف کرده و ظاهر  
 آنست که کافر شود که اعتقاد ظلم بر خدا کفر است مسئله  
 شخصی اذان میگوید دیگری گفت دروغ گفتی کافر نشود مسئله

۱۷۶

اگر تو خبر علی القده علیه وآله وسلم را عیب کرد یا موی مبارکش را بیک  
گفت کافر شود مسئله اگر کسی با دشا و ظالم را عادل گوید یا امام را بی  
مورج ماتریدی گفته کافر شود و امام ابو القاسم هم گفته کافر نشود  
چرا که البته گاهی عدل کرده با مسئله در حمادیه و سراجی گفته اگر کسی عقاید  
که خراج و غیره خزانة بادشاهی ملکت دشا است کافر شود مسئله در  
سراجی گفته اگر کسی گفت که تو علم غیب را می گفت دارم کافر شود  
مسئله اگر کسی گفت که اگر خدا مرا بی تو در بهشت ببرد متخوایم زنت  
که کافر شود مسئله اگر کسی گفت من سلمانم دیگری گفت لعنت بر تو  
و بر سلیمان تو کافر شود و در جامع الفتاوی آورده اظهاریت که کافر  
نشود و سراجی گفته اگر کسی گوید که اگر فرشتگان یا پیغمبران گویند من  
ترسم نیست باور ندارم کافر شود مسئله اگر شخصی بگوید که ای کافر  
گفت اگر این چنین نبودم با تو صحبت شدم بعضی گویند کافر نشود و بعضی  
گویند نه مسئله اگر کسی گوید که کافر شدن به که با تو بودن کافر نشود





























و اگر دنیا دست دهد و مانند فرصت زوال پذیرد و خسران ابدی لاحق شود فقیر بخت خود  
 نیز را با مردم را دیده که بخت و رسیدند باز از آنها اثری نمانده فقیر و برادر فقیر و پدر فقیر و جد فقیر  
 بخدمت قضا مبتلا شدند هر چند آنچه میباید حق این خدمت از ادا نشده خصوصاً ازین فقیر  
 پر تقصیر که بشیر عمر و زمانه فاسد تر یا قه از نخبیت با دم و مستغفر انا بحول الله و قوته طبع ازین  
 خدمت نکرده ام و از اکثر انبای روزگار نوعی بخوبی کردم الحمد لله علی ذلک از نخبیت اذ فضل  
 آتی امید مغفرت دارم مقصود اصلی دینیت فقیر همین است اما میرکت همین عمل جمله مسلمانان  
 بلکه بنوعی هر کس ملاقات کرده معزز داشته و غنیست شمرده و گرنه علما بهتر از من موجود اند  
 که نمیبوسد و از باطن کسی بگرازا چه خبر است این دلیل است بر آنکه اگر مصلحت دینی ابرو یا  
 مقدم داشته شود دنیا هم از وی رد گردان نمیشود معذوران مرا و تقی پس از فرزندان  
 من کیسه خدمت قضا اختیار کنند طبع خاطر داری ناحق را داخل ندید و بر رویت مقبوضی به  
 عمل نماید و از جمله تقدیم مصلحت دینی بر مصلحت دنیوی آنست که در نکاح و نیکواری را شرط و  
 چون درین زمانه دین شهرند ای و فض بسیار شیوع یافته است و شر فایسته بر علو نسب یا رفاه  
 معیشت نظر میدارند اول رعایتین باید کرد و تحریر بی فضی یا هم رفض اگر چه حسب دولت  
 عالی نسب نباید و در روز قیامت سوادین تقوی جمع بکار نخواهد آمد و نسب استخوانها  
 پرسید صبح که دین اه فلان ابن فلان خبری نیست و دولت اعتبار ندارد که  
 ازند اول است المال غا و راجح دیگر باید دانست که اکمل الا کمین از نوع بشر  
 بلکه از ملائکه هم سید المرسلین محمد است صلی الله علیه و آله و سلم هر کس بر قدر  
 آن سرور مشابست بهم رساند در باطن فطری و صفات جلی و کسی و عباد عتقاد  
 و عمل در عبادات و عبادات آنکس همان قدر کامل باید دانست و هر کس در مشابست

در کتب معتبره ساریش نیست و مضایق را بر این حال ۱۱ ملاک مال و مالا و کثرت است و شاکر کند و است یعنی مال گاهی بنگارم با مادی آید و شاکر بود و گاه است و وقت شام سه که بود و میرود ۱۲  
 و صحت نام  
 مشافقت با الله بدست



آنست که از اتباع خود وزن و فرزند و نوکر و غلام و کنیز و رعیت با هر یک چنان معاشرت  
باید کرد که آنها را راضی باشند و دوست دارند و از کثرت خلاق و غمخواری و عدم تکلیف  
مالا لطاف و رعایتها بجان گزیده باشند مگر آنکه بعضی از آنها از حد یک دیگر  
اگر ناخوش باشند آن مقبر نیست و متبوعان خود را از ادب فرمانبرداری خدنگدار  
راضی دارند مگر در آنچه بمعصیت امر کنند رسول فرمود صلی الله علیه و آله وسلم لا طاعت  
للمنكوق فی معصیة الخالق و باقران خود را اقربا و برادران و دوستان و همصفتان  
و همسایگان با خلاص و محبت و غمخواری و تواضع باشند دنیا جای مناسب برای  
معاملات دنیوی با هم تقاطع نکنند هیچ خانه برپا نداشته مگر وقتی که با هم منازعه است  
مخاصمت کردند و از کسانیکه اندیشه دشمنی باشد آنها را با احسان و کفوئی شرمند  
سزگون باید کرد و میت آسایش و گیتی تفسیر این دو حرفست با دوستان  
ملطف با دشمنان مدارا و قال الله تعالی ارفع بالیتی ی حسن فاذا الذی بینک و

سازمان فرهنگ و عبادت  
معاونت امور فرهنگی  
معاونت امور اجتماعی  
معاونت امور اقتصادی  
معاونت امور ورزش و تفریح  
معاونت امور بهداشت و درمان  
معاونت امور حقوق و عدالت  
معاونت امور اطلاعات و ارتباطات  
معاونت امور امور بین المللی  
معاونت امور امور محلی  
معاونت امور امور خاص

مستوفى

بنیه عداوة كانه ولی چشم و مالیکها الا الذین صبروا و مالیکها الا ذو خطا عظیم و اما  
نیز غمناک من الشیطان نزع فاستغفر بالله انه سهر السبع العظیم یعنی دفع بدی برین شخصیست که  
نیکوتر است یعنی بدی دشمنان به شکوفی کردن با آنها از خود دفع کن پس ناگاه بدی  
که در میان تو و او دشمنی است و دوست و محب اید شد و منی کنند این چنین مگر کسی که  
صبر میکنند و مگر کسی که صاحب نهیب بزرگ اند و اگر و سوره شیطان ترا درین کار  
مانع شود اعوذ بخوان و پناه جوی بخدا به درستی که خدا سمیع و علیم است این حکم  
در حق کسی است که با دمی برای دنیا دشمنی با ناخوشی باشد اما با کسی که خالصاً  
لقد با دمی دشمنی باشد مثل دافض و خواجه و مانند آن از آنها نفقت نکند تا که



رسالہ اظہار احکامال شریعہ امام خمینہ مالابندینہ بنظر مفید عالم

بسم اللہ الرحمن الرحیم

اللہ کی حمد کس نہ ہو کہ جسے کھانا مردار کا حرام کیا اور لاکھوں روپوں  
رسول مقبول پر کہ جسکے دست مبارک میں مجھے ہو کر گوشت نے کلام کیا بعد اس  
فقیر محمد حسین ساکن تبت سب بھائی مسلمانوں کی خدمت میں پست برکنہ عرض  
کرتا ہوں کہ جب مولوی شیخ محمد عبید اللہ صاحب بیرونجات کو مسلمانوں کو کافروں  
گوشت خرید کر کھانے پر دیکھا یعنی ہندو کھٹیکوں سے سب گوشت لیتے ہیں تو کہاں حسنی  
اپنی کے دہلی اور سہارنپور کے عالموں سے فتویٰ اسکے درست نادرست ہونیکا طلب کیا  
سو اسکے نادرست ہونے پر دونوں جگہ کے عالموں کی قرین ہوائیں جب ہفتا فرین ہوئے  
اور مواہیر ہوا آیا تو مولانا موصوفی اس فقیر کو ارشاد کیا کہ اگر اسکو چھو کر مسلمانوں  
میں منتشر کر دیا جائے تو بہتر ہو سو میں نے اوپر عمل کیا اور یہ خطبہ طبع کر کے نام کا  
رسالہ اظہار احکامال شریعہ امام خمینہ مالابندینہ کی توفیق سے \*  
سوال اول بقولہم رحمہم اللہ در صورتیکہ کافر کی گوشت ذبیحہ بفروشد و بیان کند  
کہ این بیچہ را ہم فوج کردہ است و دلیل بر فوج کردن مسلم قول کافر است فقط درین صورت  
باعتماد قول کافران ذبیحہ حلالست یا حرام و نیز در قریہ مثلاً عادت باشد کہ از مسلمانان  
فوج کنانیدہ کفار گوشت می فروشند مگر خریدار را فوج کردن مسلمان آن ذبیحہ یا  
بخر قول کافر یا عادت از وہ دیگر معلوم نمی شود پس حکمش چیست \*  
جواب اول حکم بر قرینہ وغیرہ کردہ نیست و وقتیکہ دلیل شرعی قائم نشود از بہت  
حنفیان حکم بر قیافہ نہیں از مذہب علی انخصوص در علت و حرمت کہ محل احتیاط و احتراز

ضمیمہ مالابندینہ



چنین صورت مرقومه حکم بر قول کافر در باب حلت حُرست که از جمله دیتاها نکرده شود و حتی آن گوشت بقول کافر که نجس کرده مسلم است خوردن جائز نیست قال فی درالمختار قول الکافر مقبول بالاجماع فی العلامات لانی الدیانات انتی و قال محمد بن حسن الشیبانی فی الموطا فان تم بذلك مجوسی ذکران مسلمان بجهلم یصدق و یوکل الله اعلم بالصواب

محمد صدر الدین <sup>۱۱</sup>	محمد قطب الدین <sup>۱۲</sup>	نور الدین علی <sup>۱۳</sup>	رحمة الله علیه <sup>۱۴</sup>	سید محمد طهرانی <sup>۱۵</sup>	جواب صحیح است از فرقیه قاطعه در باب حلت و حریت و تفاوت در باب لغزات کسبه اعتقادان داشته اند و الله اعلم بالصواب
محمد کریم الله <sup>۱۶</sup>	احمد علی کل حال <sup>۱۷</sup>	فقیر احمد سعید احمدی <sup>۱۸</sup>	حسن بن الله <sup>۱۹</sup>	الدر المختار <sup>۲۰</sup>	

سوال<sup>۲۱</sup> هم چه میفرمایند علمای دین محمد الله تعالی اندرین باب که شخصی قوم یهودی مثل کھیک و غیره گویند یا دیگر حیوان از دست مسلمان فی نجس گنایند بعد از آن بی از نظر مسلمان غائب شد بعد بخطه آن کھیک گفت که این گوشت همان حیوان که تو نجس نمودی آیا این مسلمان را باعتماد و قول آن یهودی خریدن گوشت آن ذبیحه درست است یا نه ؟  
 جواب دوم مادامیکه گوشت آن ذبیحه روی مسلمان ماند و غائب نشود خریدنش و خوردنش درست است و بعد از آن که از نظرش غائب شد قول آن کافر و یناب معتبر نخواهد شد قال محمد بن زناد و هو قول ابی حنیفه رحمه الله اذا کان الذی یاتی بها اسی تکبیر اللحم و فی نسخه ذلک مسلمان او من اهل الکتاب ای یهودیا و نصرا نیا او کان عربیا و صا کما بیان فان اتی بذلک مجوسی ای عابد نار و فی معناه لوثی و یوجب البصنم و الله و ذکران مسلمان بجهلم او ذکر من اهل الکتاب ای ذبیحه لم یصدق فیما ذکره و لم یوکل بقوله لانه لیس اهل الدیانات بل من ارباب الخواص و انخیاضه شرح ملا علی قاری بر موطا امام محمد رحمه الله تعالی

سعاد علی <sup>۲۲</sup>	محمد روشن علی <sup>۲۳</sup>	نور الدین علی <sup>۲۴</sup>	شیخ محمد حسین <sup>۲۵</sup>	الدر المختار <sup>۲۶</sup>	الدر المختار <sup>۲۷</sup>
سعاد علی <sup>۲۸</sup>	محمد روشن علی <sup>۲۹</sup>	نور الدین علی <sup>۳۰</sup>	شیخ محمد حسین <sup>۳۱</sup>	الدر المختار <sup>۳۲</sup>	الدر المختار <sup>۳۳</sup>

حاصل مضمون اسکایه حرکه اگر کوئی شرک ننهد و شکلا کھیک و غیره یا مجوسی یا چوپان یا چار یا

خبر و اخبار







# کتاب فارسی مذهبی اسلامی تفسیر

۱- جلد اول	تفسیر مسینی سید مرتضیٰ نادر تفسیر مشهور و مشتمل بر ۱۰ جلد است
۲- جلد دوم	سید شاکر خراسانی صاحب تصنیف مائین و اعجاز و جلدین
۳- ایضاً	
۴- ایضاً	
۵- ایضاً	

## کتاب حدیث

۱- جلد اول	مختصر الکلمات ترجمه سید محمد خلیل از شاه عبدالعزیز دهلوی چهار جلدین
۲- جلد دوم	۱- جلد اول
۳- جلد سوم	۲- جلد دوم
۴- جلد چهارم	۳- جلد سوم

## اخلاق و تصوف

۱- اخلاق محمدی	گلستان محشی خرد از حضرت صلاح الدین سعدی شیرازی
۲- فضائل علوم و غیره	ایضاً گلستان متوسل به علم محشی
۳- مباحث مملوکی محمد علی نوری	ایضاً مع فروع و سبک گلشن
۴- مصباح العبادت ترجمه عارف مشتمل بر ذکر سبکی و اصول طریقت اهل تصوف مترجم حضرت محمود انکاشانی	ایضاً چوب قدر گل
۵- مصباح التائب	ایضاً
۶- مصنف شیخ کمال الدین	گلستان مترجم ترجمه اردو لفظ لفظ
۷- صدقیند سو و مستدلفان	شرح گلستان
۸- رساله سعادت نامه	ایضاً مسیحی برایت رضوان شرح از مولوی ریاض علی
۹- رساله خواجہ عبداللہ انصاری	ایضاً مسیحی بنیابان شرح حضرت سراج الدین علی خان
۱۰- رساله تحفة المملوک	تصنیف گلستان سعدی مطبوعه محشی بر ترویج لفظ
۱۱- رساله منہاج العارفین	گلستان حکیم قاضی نجیب گلستان حضرت سعدی
۱۲- رساله بدایت المؤمنین	اوسنی طرز در علم کشف حکیم قاضی المعروف به میرزا
۱۳- نادر کتاب مصنف ابوالخیر مولوی معین الدین مشہدی	جیب شیرازی
۱۴- مطالب شیدی	بہارستان جامی
۱۵- تراب علی کاوردی	نظارستان محشی
۱۶- معراج ابیاد	گلستان مسعود بابین مصنف علامہ عبداللہ بن خوافی
۱۷- مصنف مولوی حاجی عبدالحق نظام الدین	امرار الاولیا
۱۸- نند نامہ عطار	بر فصلین
۱۹- حضرت شیخ فرید الدین عطار	از حضرت شیخ فرید الدین شکر گنج



